

نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال هشتم
اول فروردین ماه ۱۳۷۱ - شماره ۸۲

۱۴ صفحه - ۶۰ ریال

انتخابات وزوز آزمائی جناحها

انتخابات دوره چهارم مجلس ارتجاع به زودی برگزار می‌شود. این انتخابات گرچه هیچگونه تأثیری در ساختار اصلی رژیم که همان ولایت فقیه است نمی‌دهد، ولی از جنبه‌های مختلف برای رژیم و بخصوص برای آخوندرفسنجانی اهمیت دارد. انتخابات دوره سوم مجلس ارتجاع در شرایطی برگزار شد که خمینی زنده بود و ارگانهای اجرایی در دست جناح موسوم به "خط امام" بود. در آن انتخابات با توجه به اینکه خمینی هنوز به نیروهای موسوم به "خط امام" احتیاج داشت و با توجه به اینکه وزیرکشور نیز از مهره‌های سرشناس این باند بود، "خط امام" توانست اکثریت مجلس را بدست آورد. اما از آن زمان تاکنون شرایط برای رژیم بسیار تغییر کرده و اکنون دیگر نمی‌تواند آن تعادل قوا یا سخگوی نیازهای کنونی رژیم باشد. پس از آنکه خمینی جام زهر قبول آتش بس در جنگ ایران و عراق را پذیرفت و برای حفظ "ممالح" تن به قطع جنگ داد، جریان موسوم به "خط امام" بناچار در شرایطی سقوط قرار گرفت. مرگ خمینی یک ضربه قطعی برای این جریان بود و رفسنجانی پس از آنکه قدرت اجرایی را بدست گرفت، شروع به تصفیه و یاجذب نیروهای "خط امام" نمود. اختلاف اساسی نیروهای موسوم به "خط امام" با باندرفسنجانی بر محور این مساله دور می‌زد که چه کسی بطور واقعی "خط خمینی" را نمایندگی می‌کند. منافع باند "خط امام" ایجاب می‌کند که چهره واقعی خمینی را پنهان کرده و از او شخصیتی

در صفحه ۲



۱۳۷۱

بهار خجسته باد

هو ادلیپنیر شد

کل از خاک بردمید

پرستوبه بازگشت زدنغمه امید

به جوش آمد از خون درون رگ سیاه

بهار خجسته باد خرامان رسد ز راه

به خویشان، به دوستان، به یاران آشنا

به مردان تیزخشم که پیکار می‌کنند

به آنان که با قلم تباهی درد را

به چشم جهانیان پدیدار می‌کنند

بهاران خجسته باد

با ایمان به فرارسیدن بهار آزادی

نوروز را گرامی می‌داریم

بهار با همه زیباییهایش فرامی‌رسد. باز شنیدن

شکوفه‌ها و رویش سبزه‌ها در کنار چو بیابانها خبر از تحوّل

دیگر و بهاری دیگر می‌دهد. مردم ایران فرارسیدن بهار

را، هر سال با ندیایی از امید و آرزوهای شیرین با جشن

نوروز شروع می‌کنند و طبق معمول هر ساله این عید

بزرگ و ملی را با شکوه هر چه تمامتر برگزار می‌نمایند.

در این روز تمام مردم از زن و مرد، پیر و جوان لباس نو

پوش می‌کنند و در لحظه تحویل سال نوبه هم شادمانی

گفته و شیرینی و آجیل پخش می‌کنند. این رسم کهن

که قرن‌ها از عمر آن می‌گذرد، در ایران ریشه‌های بسیار

قوی و پایدار دارد. نوروز، سیزده بدر، چهارشنبه سوری

در صفحه ۱۲



در سالگرد به خون تپیدن رفیق کبیر
فدایی شهید بی‌زمن جزئی و هم‌زمن با نش
یاد آنان را گرامی می‌داریم

در صفحه ۷

قطعه نامه کمیسیون حقوق بشر در

محکومیت رژیم خمینی

برای یازدهمین بار طی یازده سال گذشته کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو با دادن قطعه نامه شدیدالحنی رژیم حاکم بر ایران را با خاطر نقض فاحش و شدید حقوق بشر محکوم کرد. بدنبال مسافرت گالیندو-پل به ایران و دادن گزارش‌هایی مبنی بر استمرار نقض حقوق بشر و عدم تغییر وضعیت زندانیان سیاسی و اعدام‌های روزانه، کمیسیون حقوق بشر در روز جمعه ۱۶ اسفند ماه با استناد به گزارش نماینده ویژه این کمیسیون رای به محکومیت رژیم ضد مردمی خمینی داد و خواستار ادامه نظارت بر وضعیت حقوق بشر بمدت یکسال دیگر در ایران گردید. این قطعه نامه شدیداً نسبت به پایمال شدن حقوق و اعمال تبعیض نسبت به اقلیت‌های مذهبی ایران نگارانی می‌کند. به گزارش روبرت رایسن قطعه نامه نسبت به قطعه نامه‌های مشابه در سالهای قبل لحن تندتری داشته و در آن به اعدام ۸۸۴ نفر در سال گذشته به جرم مواد مخدر، که اتهام بسیاری از آنها سیاسی بوده است، اشاره شده است. دبیرخانه شورای ملی مقاومت نیز در این رابطه اطلاعیه‌ای بشرح زیر صادر کرد.

در صفحه ۱۰

اندر احوالات مقاومت ستیزان

حرفه‌ای

عزیز پاک نژاد

در صفحه ۵

در این شماره:

- ✳ اخبار رسیده از ایران
- ✳ تظاهرات دانشجویان در تهران
- ✳ پناهندگان ایرانی در ترکیه
- ✳ تور هوکراتی در ایران
- ✳ اعتصاب در موسسه کیهان
- ✳ اعزام پاسدار به سودان
- ✳ اخبار مقاومت
- ✳ موج استعفاء در سپاه پاسداران
- ✳ تهاجم پاسداران به مردمدر کرمانشاه
- ✳ تظاهرات ضد رژیم در تهران
- ✳ ترور یکر و نامتنگار
- ✳ غیرقانونی شدن جبهه نجات اسلامی در الجزایر
- ✳ توقف انتشار نشریه پروادا
- ✳ قطعه نامه پارلمان اروپا در محکومیت رژیم خمینی

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنوشت رژیم خمینی

انتخابات و...

از صفحه ۱

سازند که گویا برای "آرمان" و "پرنسب" مطرح بوده است. در صورتی که برای خمینی همه چیز تابع حفظ "قدرت مطلقه ولایت فقیه" بوده و خود صریحا این موضوع را بیان نمود و بنابراین بر اساس این معیار اساسی، چه کسی بهتر از رفسنجانی می تواند "خمینی" را در شرایط کنونی نمایندگی نماید. رفسنجانی بر این اساس که همه چیز تابع "حفظ قدرت" است، به خمینی وفادار بود و این شرایط که بحران سراسر رژیم را فرا گرفته، در صدد است تا "خطامام" را از آخرین سنگر در سطح بالای رژیم محروم سازد. البته بعید بنظر می رسد که رفسنجانی بخواهد مجلس ارتجاع را کاملا از این جریان پاکسازی کند، بلکه هدف رفسنجانی اینست که این انتخابات به گونه ای برگزار شود که این جریان فقط بتواند اقلیت کوچکی را در مجلس چهارم بدست آورد. مخالفین رفسنجانی با توجه به این مسأله از پیش اعلام کرده اند که اگر اکثریت مجلس را بدست نیاورند، انتخابات بطور "سالم" برگزار شده است. رادیو فرانسه در تاریخ ۹ بهمن ۷۰ از قول محتشمی می گوید: "رهبر جناح تندروی حکومت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که جناح وی اکثریت مطلق را در انتخابات مقننه آینده در ایران بدست خواهند آورد." محتشمی در مصاحبه ای با نخستین شماره ماهنامه سفیر چاپ تهران شرکت کرده و شورای نگهبان را متهم ساخت که خواستار کنار گذاشتن اعضای جناح تندرو در انتخابات آینده است. وی هشدار داد که در صورت کنار گذاشتن این جناح جمهوری اسلامی ایران بایک بحران شدید سیاسی مواجه خواهد شد. محتشمی تأکید کرد که انتخابات مقننه اگر در شرایط نادر برگزار شود جناح او بدون هیچ تردیدی اکثریت کرسی های مجلس را از آن خود خواهد ساخت. با این سخنان محتشمی از قبل به غیر "عادی" برگزار شدن انتخابات اشاره می کند. اما از آنجا که رفسنجانی برای پیشبرد سیاست های خود به مجلسی که از او تابعیت بیشتری کند، احتیاج دارد، با شیوه های مختلف، در مقابل جناح "خط امام" برای ورود به مجلس چهارم مانع ایجاد می کند. رفسنجانی از دواهرم شورای نگهبان وزارت کشور که در برگزاری انتخابات نقش اصلی دارند، استفاده می کند. نوری وزیر کشور، از مدتی قبل به تغییر و تحول در سطح فرمانداری ها و استانداری ها دست زد و این سبب خشم باند "خط امام" شد. عباس عباسی نماینده مجلس ارتجاع از بندرعباس می گوید: "آقای وزیر کشور به هر جهت مسائلی در وزارت کشور هست، عدم لیاقت و شایستگی و کفایت شماری از مدیران این مخابرات شده است و وزارت کشور به سان خانه ای کلنگی می ماند که باید ویران شود و از نو بنا نهاده شود و باز سازی شود." (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۱ آذر ۷۰)

حسین شاهرودی نماینده ارتجاع از تهر و دنیوز می گوید: "سوال دیگر ما این بود که مادر آستانه برگزار می شود؟ انتخابات هتیم تجربه نشان داده که انتخابات همیشه توأم با مقداری تشنج بوده، چرا وزارت کشور بجای رفع تشنج از شهرهای متشنج کشور، شهرهای یکپارچه و متحدومی مسأله را دچار تشنج و مسأله می کند، مشکل قزوین چه بود؟ چرا فرمانداری که در تمام کشور بعنوان فرماندار نمونه شناخته شده بود

را برمی دارید و شهر را بی جهت دچار تشنج می کنید؟ چرا در زنجان و دهامور دیگر آنگونه عمل می کنید که نمایندگان مردم را از خودرنجیده خاطر سزاید؟ و هم چنان این سوال مطرح است که وزارت کشور در انتخابات امانت دار اراه مردم است او باید سعی کند که انتخابات از هرگزندی مضمون بماند در حالیکه عزل و نصب های عجولانه این شبهه را در ذهن تقویت می کند که وزارت کشور تصمیم بر امانت داری ندارد. بلکه خدای ناکرده خود مدعی انتخابات است. (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۱ آذر ۷۰) شاهرودی خط رفسنجانی را کاملا روشن می کند. خط امامی که در شهرستانها می تواند انتخاب شوند و در تهران در هیچ دوره ای نتوانسته اند اکثریت نمایندگان را بدست آورند، بنابراین این باید ارکانهای اجرایی در این شهرستانها از دست نمایندگان خط امام خارج شود، ضمناً وزارت کشور یک ارگان بی طرف در بین جناحهای حکومت نبوده و "خدای نکرده" خود مدعی انتخابات است. بیچاره خط امامی ها! تقدیر در مانده و مستاصل شده اند که نمی توانند مانع تغییر یک فرماندار طرفدار خودشان هم بشوند. اما وزارت کشور هم برای موجه جلوه دادن خود دست به اقدامات "قانونی" برای "عادی" نشان دادن امور می زند. در تاریخ ۲۶ آذر ۷۰، سمینار استانداران و فرمانداران سراسر کشور در تهران برگزار می شود. آخوندنوری در رابطه با انتخابات در این سمینار می گوید: "به هیچ وجه امکانات دولتی نباید برای شخص خاصی مورد استفاده قرار گیرد." وی در بیان صحبت های خود می گوید: "بسرگزاری انتخابات خوب و سالم باعث ابرو برای نظام و دستگاه اجرایی وزارت کشور است. اگر از جمعیت ۵۷ میلیونی کشور فقط یک میلیون در رأی گیری شرکت کنند، آن موقع اعلام خطر باید تلقی شود." رفسنجانی در دیدار با شرکت کنندگان در این سمینار می گوید: "آن چه از شما می خواهیم این است که جدا قانع شوید. حق مردم در انتخابات ضایع نشود و کاندیداها با عدم احساس مظلومیت بتوانند تبلیغ کنند و بطور کلی امکانات صرف شرکت مردم در یک انتخابات آزاد و روان شود." در شرایطی که این انتخابات حتی برای جناح های درون حکومت ولایت فقیه هم "آزاد" نیست، رفسنجانی از انتخابات "آزاد" برای مردم دم می زند و با این عوام فریبی می خواهد سیاست مزورانه و خمینی گونه خود را توجیه نماید. احمد خمینی که کاملاً در موضع دفاعی قرار گرفته و فعلاً حفظ مصالح "جیب خود" را در نظر دارد در دیدار با شرکت کنندگان در این سمینار می گوید: "اینجانب برادرانه از همه کاندیدا های مجلس چهارم می خواهم در این برهه حساس از انقلاب اسلامی مصلحت نظام و انقلاب اسلامی را بر مصلحت خطی و گروهی افراد ترجیح دهند و تنها بروای الهی بیندیشند. البته این حق مسلم جناحهای سیاسی است که افرادی را بعنوان کاندیدا معرفی کنند، اما باید از هتک حرمت وی احترامی رقیب پرهیز کرد." (رادیو رژیم ۲۸ آذر ۷۰) و سرانجام خامنه ای در دیدار با شرکت کنندگان در این سمینار از موضع "رهبر" رژیم هم از وزارت کشور هم از شورای نگهبان حمایت کرده و می گوید: "در باب انتخابات که مسئله روز شمامت، مسائل بسیاری هست، چپاتی از بحث را مادر این مسئله لازم است که مطرح کنیم و بحث کنیم که بسیاری از آنها هنگام به عرض ملت ایران خواهد رسید. در وقت

لازم، آنچه لازم باشد انشا الله گفته خواهد شد. آنچه امروز مطرح است و آنچه در انتخابات از نظر شما مهم است سلامت انتخابات است، در درجه اول، این به معنای این نیست که ما داریم فقط از تقلب کسری کسانی که ممکنه بخواهند چنین کاری بکنند نهی بکنیم، بلکه بالاتر از این فضای انتخابات باید فضای سالم باشد. فضای تبلیغاتی با فضای "پروپاگاندا" های معمول دنیا تطابق داشته باشد. ۰۰۰۰ تبلیغ صحیح است و حق است، اما با معنای واقعی کلمه، با حفظ حدود شرعی کلمه، بدور از فریب، بدور از کارهای دروغی و نمایشی، بدور از متهم کردن این و آن، همیشه ما بگیم که مسئولین انتخابات نسبت به فقیه هیچ مسئولیتی ندارند، چرا، این شرط سلامت انتخابات است. نکته بعدی همکاری دستگاههایی است که این بار سنگین را بردوش دارند. چه وزارت کشور، چه شورای نگهبان چه نیروی انتظامی. اون کسانی که می خواهند این ساط مقدس را پاسداری کنند باید با هم هماهنگ باشند. همکاری کنند، در خود شون تفاهم بوجود بیاورند که من امیدوارم در این دوره انتخابات این تفاهم به حد اعلا برسد و پیش بینی من هم همین است. بحمد الله وزیر محترم کشور، روحانی، فاضل، عالم، عاقل و منصف به صفات بستیده، اعضای محترم شورای نگهبان که مجتهدین، مسئولین، اونها هم همینطور. کاندیدا های انتخابات وابسته به جناح های مختلف سیاسی ممکن است باشند، خواهند بود، ایرادی هم ندارد، با هم تناقض هایی ممکن است داشته باشند، بهیچوجه نباید بگذارید که هیچکس، هیچ مسئولی از مسئولین اجازه نباید بدهد برداشت های خطی، برداشت جناحی، گرایش های گروهی اندکی تاثیر بگذارد در این کار. این کار باید سالم و خالص و بدون اندکی خدشه انشا الله انجام بگیرد." (رادیو رژیم ۲۷ آذر ۷۰)

خط و نشان کشیدن های خامنه ای، وقتی وزارت کشور و شورای نگهبان را کاملاً تأیید می کند، علیه باند مزاحم "خط امام" است که نمی گذارند اتحاد رفسنجانی - خامنه ای کارها را بر اساس "خط واقعی امام" یعنی حفظ نظام به قیمت پیش ببرند.

بند خامنه ای علیه "مزاحمین" صحبت های مفعلی می کند که بدان خواهیم پرداخت. در رابطه با اختیارات شورای نگهبان نیز از مدتها قبل کشمکش بین اکثریت مجلس و شورای نگهبان بر سر تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی به يك مسأله محوری تبدیل شد. مورد ۹۹ اکثریت مجلس از اینک شورای نگهبان اختیارات زیادی را در انتخابات بخود تخصیص داده، به این ارزیابی واقعی می رسد که مثل انتخابات مجلس خبرگان، دست شورای نگهبان و جناح رفسنجانی برای از صحنه خارج کردن نمایندگان "خط امام" کاملاً باز است. بعضی از نمایندگان خط امام، شورای نگهبان را مورد حمله قرار داده و شایعه "تحریم" انتخابات نیز پخش می شود. کروی و رئیس مجلس ارتجاع در پاسخ به پرسشی در مورد ملاقات وی و جمعی از روحانیون با خامنه ای و اعلام اینکه اگر شورای نگهبان دخالت کند، انتخابات را تحریم می کنند، گفت: "اصل دیدار درست است و مسائل تفسیر اصل ۹۹ را به ایشان گفتیم و اعلام کردیم شورای نگهبان خواهد عده ای را بار در ملاحظت و عده ای را با ابطال کنار بگذارد و بنای ما شرکت جدی در انتخابات

اخبار و رویدادها....

اخبار زیر زمین اخبار ارسال شده توسط رفقای سازمان در داخل کشور انتخاب و درج گردیده است

از صفحه ۲

اعتراضات کارگری

آمل

کارگران شرکت ایران الکتریک در شهر آمل بدلیل تعطیلی کارخانه از سوی کارفرما از اول شهریورماه تحت عنوان تعطیلات تابستانی وعدم بازگشایی آن پس از گذشت ۵ ماه، در اوائل سال جاری از ورود مدیر تولید و مسئول انبار شرکت به داخل جلوگیری نموده و پس از گرفتن کلید انبار و کلید اتاق مدیر تولید، به آنها می‌گویند اگر تا هفته آینده مدیرعامل شرکت در بیین آنها حضور نیابد برای بدست آوردن حقوق عقب افتاده خود، کلیه اجناس تولید شده و ذخیره شده در انبار را به فروش می‌رسانند و با مواد اولیه موجود در شرکت جنس تولید نموده و با فروش آنها، حقوق خود را خواهند گرفت. و اگر مدیرعامل تکلیف مارا روشن نکند دستگاهها، زمین و دیگر اموال شرکت را فروخته و در آمد حاصله را بیین کارگران تقسیم خواهند کرد. تولید این کارخانه کلیند و پیریزی می‌باشد.

تهران

کارگران صنعت نفت تهران - شرکت ملی گناز ایران و پالایشگاه تاسیسات نفتی ری از تاریخ ۷/۱۰/۷۰ برای دستیابی به خواسته‌های زیر اقدام به اعتصاب نمودند:

۱- افزایش حقوق کارگران دیپلمه ۲- توجه به خواسته‌های منفی کارگران ۳- تشکیل شورایی کار

- اعتصاب رانندگان سوخت حرارتی در انبار نفت شهر ری.
- اعتصاب غذای کارگران پالایشگاه تهران در انبار نفت ری.

اراک

فعالیت کارخانه پارس فیلتران اراک بطور کامل متوقف شده و کلیه کارگران بیکار شده‌اند.

در اراک شایع شده، وزیر اتخانه‌های نفت و معادن و فلزات به آن شهرستان منتقل خواهند شد.

خبر اعتصاب کارگران پالایشگاههای تهران، اصفهان - آبادان در محیط‌های صنعتی پخش گردید.

دردی ماه سال جاری کارگران کارخانه کابل سازی در محل امور اداری اجتماع کرده و بدلیل عدم اجابت خواسته‌هایشان از خروج کامیون‌های حامل کابل جلوگیری کردند.

اسلام شهر

کارگران کارخانه یزدیاف بدلیل نحوه محاسبه حق بهره‌وری خود دست به اعتراض و کم کاری زدند.

زنجان

دردی ماه سال جاری حدود ۲۵۰ نفر از کارگران و کارمندان شرکت برق زنجان در اعتراض به نحوه ارسال هدایا از طرف مدیریت شرکت بمناسبت روز زن، که این هدایا صرفاً به همسران مدیران و وابستگان و مزدوران رژیم در شرکت تعلق گرفته، اقدام به تهیه طوماری علیه مدیریت شرکت نموده‌اند که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود.

"آیا کارگری که صبح زود هنگامی که اکثر مدیران در رختخوابند به اداره می‌آید و در سوز و سرما زمستان به همراه اکیپ تعمیرات به نقاط و خطوط مختلف که بنا به دلیلی نیاز به تعمیر دارد می‌رود و شاید تا پاسی از شب گذشته به خانه‌اش می‌آید و با هزاران خطر جسی رو بروست از این تحفه‌های شامقی ندارد؟ اگر روز زن واقعا متعلق به زنان است چرا به پرسنل محترمه زن که در خدمت این شرکت می‌باشند يك پتوی کم ارزش داده و به زنان شریف خود چند برابر آن تعلق گرفته است. هدایای در نظر گرفته شده از سوی مدیر مسزور شرکت شامل ۲۴ عدد سرویس ۴۸ پارچه چینی، ۲۰ عدد سرویس چینی ۲۴ پارچه بوده است."

کرج

در تاریخ ۵/۱۱/۷۰ کارگران کارخانه میره‌ای کرج در اعتراض به پائین بودن حقوق و دستمزد در محوطه کارخانه جمع شده و دست به اعتراض زدند. کارگران هم چنین خواستار اخراج مدیر کارخانه شدند.

رشت

کارگران شرکت هیکو بدلیل بیکاری در بهمن ماه سال جاری اقدام به اعتراض دسته جمعی نمودند.

قزوین

در اوایل ماه سال جاری ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی پارس، در شهرک صنعتی البرز قزوین، برای افزایش حقوق پایه خود بمدت یکروز دست از کار کشیدند.

گچساران

در معدن گچساران رانندگان کامیون برای خواسته‌های منفی اقدام به اعتصاب نمودند.

شیراز

در شیراز شایع شده، بازار شیراز بعلت بالا بودن مالیات توسط بازاریان تعطیل خواهد شد.

قائم شهر

در اوائل بهمن ماه سال جاری حدود ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه گونی قائم شهر ضمن تجمع در جلوی دفتر مدیریت کارخانه، خواستار دریافت حقوق معوقه، لباس کار و برنج شدند که بدنبال آن مدیر کارخانه در جمع معترضین حاضر و آنان را به آرامش دعوت می‌کند که کارگران به "هو" کردن او پرداخته و وی مجبور به ترک محیط کارخانه می‌شود.



اعتراضات عمومی

رشت

تعداد زیادی از مردم شهرستان رشت و توابع آن از کمبود مصالح ساختمانی در سطح استان ناراضی می‌باشند.

ناراضی عمومی از تورم و گرانی اجناس و ارزاق عمومی بویژه در بین اقشار کم درآمد.

ناراضی عمومی از خاموشی روزمره برق و کمبود فرآورده‌های سوختی.

قیمت گوشت گوسفند از کیلویی ۲۲۰ تومان به ۳۸۰ و تا ۱۰ تومان رسیده است.

دردی ماه سال ۷۰ حدود ۱۵۰ نفر از معلولین جنگ جهت دستیابی به خواسته‌های خود در مقابل ساختمان ستاد جانبازان رژیم در شهرستان رشت اجتماع نمودند.

اسلامشهر

اعتراض اولیا و دانش آموزان روستای فیروزبهرام اسلامشهر بعلت نداشتن مدرسه راهنمایی در روستا.

ناراضی ساکنین اسلام شهر بدلیل کم بودن مراکزی که کوپن نفت سفید توزیع می‌کنند.

اصفهان

رژیم قیمت بلیط‌های اتوبوس شرکت واحد در مسیر اصفهان - شاهین شهر را افزایش داده که مورد اعتراض مسافری قرار گرفته است.

اراک

مردم شهرستان اراک با کمبود شدید نفت و گاز و تیل مواجه می‌باشند و این موضوع علیرغم سرمای طاقت فرسا باعث ناراضی شدید در بین دانش آموزان مدارس و کارگران محیط‌های صنعتی شده است و مردم بمنظور تهیه نفت مفیای طولی تشکیل داده‌اند.

از جمله مسائلی که از زبان مردم اراک در این زمینه می‌توان شنید مطالب زیر است:

۱- چرا وضع سوخت بنحوی است که مردم باید نیمی از وقت خود را صرف آن کرده، اما میلیونها تن نفست مجانی به سوره ارسال شود؟

۲- آیا نمایندگان مردم بفکر مردم هستند، یا اینکه دنبال منافع خودشانند؟ زندگی آنها از نظر اقتصادی با قبل از نمایندگانیشان بطور فاحشی تفاوت دارد.

تهران

وزارت راه و ترابری رژیم در سال ۶۹ اعلام کرد که به واجدین شرایط، اتوبوس، کامیون، تریلر و واگنار خواهد کرد. بعضی از مردم ستم دیده کشورمان برای دستیابی به این نوع وسائل جهت تامین معاش زندگی، با گرفتن وام، قرض و فروش اثاثیه منزلشان و دیگر راههای ممکن، مبلغ ۵۰۰۰۰۰ تومان تهیه و تحویل رژیم دادند. پس از مدتی با مراجعه متقاضیان برای

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۴

موجود بر سر راه پناهندگان می شود. در این نامه به مواردی به قرار زیر اشاره رفته است:

" احماجمعی از ایرانیان از شرایط خفقان، بی حقوقی شکنجه، زندان، تبعیض، آزار و اعدام جمهوری اسلامی فرار کرده و در کشور ترکیه پناه گرفته ایم. در اینجا پروسه اعزام از طریق UN را طی می کنیم. ما قوانین و مقررات کشور شمارا کاملا رعایت کرده ایم، اما با وجود این اخیرا بعضی ناروایی ها که در تناقض با منسواد کنوانسیون ژنومی باشد در برخورد به ما شده که خواستیم شمارا از آن مطلع سازیم و اماد شمارا برای رفع آنها خواستار شدیم. متحضر هستیم که پلیس ترکیه در تاریخ ۹۲/۱/۱۳ تعداد ۹۶ نفرینا هجرت و پناهنده ایرانی را به مرز ایران بردتا تحویل ماموران مرزی بدهد.

مجموعه های فعالیت در داخل و خارج ترکیه مانع این عمل گردید!

آن اقدام بخشی از طرح دیورت تعداد ۶۰۰ پناهنده

ایرانی بود. گرچه بعضی از مقامات دولت شما و وسایل ارتباط جمعی و از طریق نامه به مراجع و مجامع بین المللی، اعلام کرده اند که این عمل برائتیک سو تفاهم

روی داده است. اما هیچگاه لغو اخراج ۶۰۰ پناهنده

رسمایه پناهندگان ایرانی اعلام نشده است، این عمل نگرانی بسیار شدیدی را در میان ما دامن زده است.

تقاضا داریم که دولت مشابه طریقی پناجویان و پناهندگان ایرانی را مطمئن سازند، که در کشور ترکیه

تأمین خواهند داشت، تا پروسه اعزام آنها به کشور ثالث انجام می گیرد.

آروزهایی که پناجویان و پناهندگان خود را به پلیس

ترکیه معرفی می کنند جهت امضا مقرر شده و همچنین در محاسبه با مقامات پلیس سیاسی بخیر میداوم مورد

تحقیق و توهین قرار گرفته و می گیرند و در مواردی که تک

کاری شده اند و همچنین آنها را ناچار می کنند کاغذ

سفیدی را امضا کنند که می تواند مورد تعابیر بسیاری

قرار گیرد و ...

۳- اخیرا در کنیابه پناهندگان مسکه نیرت ۴۵ نفر به

طور غیر رسمی ابلاغ شده که رسا دتیرتو - ان را در

آنکارا در جریان گذاشته ایم.

این موارد با روح دموکراسی که کشور ترکیه قصد دارد

پروسه آن را با موفقیت از سر بگیرد در تناقض کامل

قرار دارد، لذا تقاضا مندیم مقرر دارید که با پناجویان و پناهندگان بطور کاملا انسانی رفتار شود و کلیه

قوانین کنوانسیون ژنومبر بخورد به پناجویان در ترکیه رعایت شود.

باتشکر شورای پناهندگان ایرانی - ترکیه

انتخابات مجلس اوتیاج

در رابطه با انتخابات مجلس آخوندی را دیوبی سی سی در تاریخ ۱۷ اسفند گزارشی راتیه کرده است که گوشه ای از نظرات مردم در رابطه با این انتخابات را نشان می دهد. این گزارش می گوید: "اگر نظر مردم

تهران را ملاک قرار دهیم، اشتیاق کمی نسبت به انتخابات ماه اوریل مجلس یانتیجه آن نشنسان داده می شود. به نظر مردم یاحداقل اکثریت مردم، نتیجه این انتخابات هرچه می خواهد باشد در شرایط کمزگی زندگی روزمره تغییری بوجود نخواهد آورد. مردم بیش از هر چیز به فکر هزینه سنگین زندگی هستند که انتظار می رود ظرف ماههای آینده باز هم بیشتر شود. علاوه بر آن، باتوجه به اینکه هیچ حزب یا گروه سیاسی مخالف معتبری در ایران وجود ندارد، به نظر مردم این انتخابات مرحله دیگری از مبارزه قدرت در داخل طبقه حاکمه است."

تورم و گرانی در ایران

خبرگزاری فرانسه با استناد به گزارشهای اقتصادی روزنامه های تهران گزارش داد که اوضاع اقتصادی ایران، بسرعت روبه وخامت می رود و در حالی که گرانی سرسام آور قیمت ها همچنان ادامه دارد، از قدرت خرید مردم روز بروز کاسته می شود. رادیو اسرائیل که در تاریخ ۲۰ بهمن این خبر را منعکس کرده اضافه می کند: که به نوشته روزنامه جهان اسلام، قدرت خرید مردم، چنان کاهش یافته و تورم چنان بیداد می کند که بسیاری از مردم، حتی قادر به تأمین نیازهای روزمره خود نیستند. این روزنامه با نقل قول از آمار بانک مرکزی از جمله می نویسد، گرانی قیمت ها در ۹ ماه گذشته ۲۸ درصد بوده در صورتی که سال قبل طی همین مدت قیمت ها کمتر از ۹ درصد افزایش یافته بود.

در صفحه ۲

قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در محکومیت رژیم

از صفحه ۱

" امروز کمیسیون حقوق بشر ملل متحد طی قطعنامه شدیدالحنی نقض مستمر و شدید حقوق بشر توسط رژیم ضد بشری خمینی را برای یازدهمین بار طی یازده سال گذشته محکوم نمود. این قطعنامه با استناد به رازهای گزارشگری و توضیح بر اینکه در ایران تحت حاکمیت رژیم خمینی هیچ پیشرفت محسوسی در زمینه حقوق بشر صورت نگرفته است، نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران تحت حاکمیت آخوندها را برای یک سال دیگر تمدید می کند.

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در این باره گفت: "تصویب این قطعنامه قبل از هر چیز بیانگر فرو ریختن افسانه مدراسیون بازماندگان خمینی نزدیک به ۲ سال بعد از مرگ خمینی است و یکبار دیگر ثابت می کند که تا این رژیم بر سر کار است، کشتار و شکنجه و اعدام در داخل و صدور ترور و ترس و ارتجاع در خارج ادامه خواهد داشت و تنها راه مقابله با آن، اعمال قاطعیت و تحریم تسلیحاتی و نفتی است. به خصوص که اکنون همچنانکه مقاومت ایران از آغاز گفته بود همگان مردودیت رفسنجانی و مانورهای میان تپی او در باره استحاله کردن دیکتاتوری مذهبی و تروریستی خمینی را دریافته اند." مسئول شورای ملی مقاومت افزود: "حکم محکومیت و مردودیت رژیم خمینی و بقایای آن یک داوری بین المللی است که در

عین حال یکبار دیگر حقانیت و مشروعیت مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی را به اثبات می رساند." آقای مسعود رجوی صدور این قطعنامه را بعنوان یک دستاورد و پیروزی بین المللی مقاومت در برابر همه توطئهها و تشبثات آخوندی، به مردم ایران تبریک گفت.

در جریان چهل و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، مزدوران و ایادی رژیم بنیاد تلاش کردند تا با انواع و اقسام تشبثات و ترندها، مانع تصویب قطعنامه محکومیت رژیم بشوند. اما به یمن فعالیت های گسترده هیات مقاومت ایران و ارائه انبوه مدارک و اسناد انکارناپذیر مبنی بر نقض ابتدایی ترین حقوق مردم ایران، تلاش های مذبحانه آخوندها به جایی نرسید و جامعه جهانی یکبار دیگر رژیم خمینی را بخاطر جنایات ضد بشری این رژیم محکوم نمود.

در قسمتی از قطعنامه کمیسیون حقوق بشر به قطعنامه آخرین اجلاس کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت ها استناد گردیده است. این کمیسیون فرعی از ترور و دستکراظم رجوی شهید بزرگ مقاومت و حقوق بشر بدست دیپلمات - تروریست های رژیم خمینی ابراز انزجار نموده بود.

مقاومت ایران ضمن استقبال از تصویب این قطعنامه همچنانکه آقای مسعود رجوی درخواست

کرده است، از دبیرکل ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر می خواهد که مجددا هر چه سریع تر یک هیات نظارت

بین المللی را با همراهی نمایندگان مقاومت ایران و اعلام قبلی به مردم ایران و سایر خورداری از حقوق

مراجع و ارتباطات آزاد و حق بازدید از کلیه زندانها و شکنجه گاهها و گورهای دستجمعی عازم ایران نماید.

مقاومت ایران همچنین تاکید می کند که زمان آن رسیده است که جامعه بین المللی و سازمان ملل متحد

و کمیسیون حقوق بشر در قبال رژیمی که دامنه تروریسم و صدور "بنیادگرایی" آن سایر کشورها و ترور و قتل اتباع

خارجی را هم در بر می گیرد، به تصمیم گیری و اقدامات عاجل و جدی از جمله دست یازیدن به یک قطعنامه لازم

الاجرای شورای امنیت ملل متحد مبادرت ورزد.

قطعنامه سال کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که از ۱۲ عضو تشکیل می شود، بعد از رای گیری با

مجموع آرای موافق، ۲ آرای مخالف، ۱۵ آرای ممتنع و ۱ غایب به تصویب رسید. اسامی کشورهای عضو این

کمیسیون و همچنین نوع رای مربوط به این قطعنامه به قرار زیر است:

کشورهای موافق قطعنامه: استرالیا، اتریش - برزیل

کانادا - شیلی - کاستاریکا - جمهوری فدرال سلواک

فرانسه - آلمان - مجارستان - عراق - ایتالیا - ژاپن -

مکزیک - هلند - پرو پیورتقال - فدراسیون روسیه - تونس -

انگلستان - آمریکا - ونزوئلا

کشورهای مخالف قطعنامه: هنگکونگ - چین - کوبا -

گامبیا - غنا - اندونزی - ایران - لیبی - پاکستان - فیلیپین - سومالی - سوریه

کشورهایی که رای ممتنع داده اند: آنگولا - کلمبیا - قبرس - گابن - هند - کنیا - لسوتو - ماداگاسکار - موریتانی - نیجریه - سنگال - سریلانکا - وروگوئه - یوگوسلاوی - زامبیا

کشورهای غایب: آرژانتین - بارباداس - بلغارستان - برونئی

اندر احوالات مقاومت ستیزان حرفه‌ای

چندی پیش دوستی بی اطلاع و پیرت از اوضاع و احوال از من سوا لاتی فرمود مجاهدین کرد که چون خیردستی از موضوعات مربوط به سوا لاتی نداشتم اورا نا امید کردم. در ادامه صحبت کشف کردم که طرف قصد دارد مرابخیال خود به حیرت وادارد و برای این منظور با جبهه‌های رنگ‌باخته و چشمان از حدقه درآ شده در حالیکه سراپای بخشش می‌پرزید بمن گفت، خبرداری که مجاهدین بدستور رجوی همدگر راسه طلاقت کرده‌اند. و بلافاصله در حالیکه شانه‌های مرا گرفته بود و بسختی تکان می‌داد تا شاید مرا از ریزه رفتن وادارد انا قسه کرد که بله، وحتما این‌ترام نمی‌دانی که تعداد ۱۰۰ نفر از کادرها واعضاء مجاهدین که مخالف این سیاست رجوی بوده‌اند فرزندان هواسیاه‌جالبی که برای این منظور با پتن آرمه در اطراف عراق ساخته شده‌اند می‌برند. من در حالیکه از شدت خنده اشک از چشمانم راه افتاده بود به قیافه اش نگاه کردم و باز به خنده ادامه دادم او که مید من به حرفهایش می‌خندم با قیافه‌ای درهم و خسته پشت بمن کرد و رفت. شب هنگام بازنگ تلفن از جا برخاستم. خودش بود. از لحن خشک برخوردش قشیه را که بکلی فراموش کرده بودم دوباره به یاد آوردم و بدون آنکه به سلامش بتوانم پاسخ بدهم به خنده افتادم. بعد از چند لحظه بمن گفت: حرفهایی که بعد از ظهر بهت زدم را قبول نکردی ولی حالا دیگر نمی‌توانی آنها را رد کنی برای اینکه نشریه "فدایی" در صفحه اول خود آنها را چاپ کرده است! برو بخوان و بی دلیل آدم‌ها را مسخره نکن. باشنیدن این حرفش تازه بی بردم که موضوع جدی است و برای همین با لحنی آرام و در عین حال صمیمی ازش پرسیدم نشریه فدایی؟ گفت: بله نشریه خود شما! چطور نمی‌دانی و روی صفحه اول پرسیدم این نشریه را داری من ببینم؟ با تردید گفت: نه ولی میتونم برات انگلنز بخواهی پیدا کنم تا بخوانی! کمی مکث کرد و بعد گفت تو چطور از نشریه خودتون خبر نداری و آنها را نمی‌خوانی. ما بعجله برایش توضیح دادم که این نشریه مانعست و چنین نشریه‌ای را تا آنجا که من خیر دارم تعدادی از پشت هم اندازه‌های جدید الولاده گسه هیچگونه پیوند و قرابتی با فدایی خلق ندارند منتشر می‌کنند و پشت همین ماسک چند سال در طلب کسب آوازه به دروزه‌گی رژیم خمینی مشغول بوده‌اند و بعد از اینکه بشدت به بیرون تف شدند از ترس جان با برجای گذاشتن همه چیز به خارج آمدند تا موی دماغ جریانات انقلابی و مبارز، بشوند و چون در اینجا نیز به جایی نرسیدند با مارپیچ و معلق زدنهای با لاجبار "سوسیال دمکرات" از آب درآمدند و سعی کردند در فضاهای "معتدل و بسیار مساعد" خارج در میان جمع وازد کسان از ریز و درشت با عنانین "ملی" و "چپ" و "دمکراتیک" بایدک "جبهه" و "سازمان" و "حزب" جایی نسبتا "میان" پیدا کنند تا نه خیانتشای دیروز و نه خوش خدمتی‌های امروزشان بر کسی معلوم گردد و نه آب به زهرهای مبارکشان نشت کند، تا مبادا به سراخوردگی و سیاه سرفه دچار شوند. بعد از این توضیحات کوتاها چون صدایی از آنطرف سیم نشنیدم گویی را روی تلفن

گذاشتم و بفکر فرورفتم. هر ایم کاملا مشخص بود که باز هم طبق معمول دهلی به مداد آ مده و باید منتظر رقص شتونندگان دور و نزدیک صدای مربوطه بود. چند سال خدمت در صفوف مقاومت انقلابی بمن این تجربه را آموخته بود که این گونه جنجال آفرینی از هر کجا که شروع شود و با هر ریتم خاصی که پیش رود شرکت کنندگانش سابقه‌دار بوده و برای کش دادن موضوع عادتش بغایت مزمن دارند. البته نباید ناگفته بگذارم که گاهی از دیدن شدت بیشرمی بعضی از این واماندگان در موضع گیری علیه مقاومت انقلابی بشدت جفا می‌خوردم ولی کم کم به این نتیجه رسیده بودم که در برخورد با این مسائل باید توجه داشت، بیان هر کس حاکی از آسوب درون است و ریشه بایی این گونه موضع گیری‌ها به شناخت کافی از آن شخص نیاز دارد. چون ما با شخص خاصی دشمنی نداریم بنابراین نیاز به کالبد شکافی آن شخص نیست و برای پیشبرد مبارزه انقلابی کافی است که با هر کس از زاویه نزدیکی و دوری‌اش با دشمن مقابله کرد. متاسفانه در اکثر موارد این گونه برخوردها با هم پیوند ارگانیک داشته و در همدستی با دشمن بوده‌اند. بدینصورت که در مقاطع حساسی که دشمن خلق سازی را بر علیه مقاومت کوه می‌کرد و به توطئه کردن می‌پرداخت جمع بسیار ناهمگونی از اعداد مقاومت در هاستنگی کامل با وی به حرکت در می‌آید و این را از روی موضع گیری‌های مشابه و "هم خط" آنها می‌شد بدانگی ملاحظه کرد. بهر حال بعد از تلفن نامبرده بفکر فرورفتم. اولین مسئله‌ای که ذهن مرا بخود مشغول داشته و مرا آزار می‌داد، آسب پذیری سهل و ساده افرادی بود که در هر گوشه و کنار افتاده و نشیندا از طرف دشمن و همفکرانش بمباران تبلیغاتی می‌شوند. فکر کردم در هر حال مقاومت باید روی تمام طرح‌های رژیم نیرو و انرژی بگذارد تا آنها را خنثی کند. از زیرکی دشمن در زدن ضربه‌های کاری به مقاومت با تئوری‌های غافل نبوده‌ام، از میزان نیرویی که روی افشای دشمن در مجامع بین المللی و گرفتن محکومیت‌های بی درپس از طرف مقاومت به خرج داده می‌شود نیز بی اطلاع نیستم، از مسائل و پیچیدگی‌هایی که حل معضلات جنبش مسلح دارند نیز بهمین ترتیب آگاهم و با وجود همه اینها از صبح تا شام باید بفکر بود که چگونه نیروهای اصیل و انقلابی را به طرف مقاومت جذب کرد و آنها را فعال نمود. برای پی گیری قضیه به چند جا تلفن زدم و تا اندازه‌ای قضیه دستگیرم شد. اینبار نیز دشمن به روال همیشگی نغمه‌ای را تحت عنوان "جوانان ایرانی فرزندانهای مجاهدین" ساز و در سبوق کرده است.

سوزه: بریده‌های مجاهدین
مکان: کشور عراق
عنوان: "نجات این جوانان"
هدف: ضربه زدن به مقاومت و ائتلاف انرژی دست اندرکاران مقاومت بمنظور مسامحت از عملیات نظامی
ابزار: بریده‌های مجاهدین در داخل و خارج کشور
حیله و مکر یکی از روشهای بسیار عادی رژیم‌های خودکامه برای به انزوا کشیدن مقاومت خلق می‌باشد. و در این راه استفاده از ابزاران نیمه راه و افرادی که در وسط کاری می‌پرند و از مبارزه کنار می‌روند نیز بسیار معمول بوده و هست. و بهمین دلیل منطقی و برحق است

که به این گونه افراد که بهر شکلی ولو فقط با یک حضور ساده در تلویزیون و اظهارندامت، به رژیم خدمتی می‌کنند، "بریده" خطاب می‌شود. وجود "بریده‌ها" در صفوف چریکشی همیشه ساله آفرین بوده است. نه فقط از زاویه تلاشی که این گونه آدمها برای نفی مبارزه که در حقیقت توجیه مترعانه شعف‌ها و ناراشی‌های شخصیتی خود است، بلکه از زاویه حفظ این گونه افراد در مقابل سوا استفاده‌های دشمن می‌باشد که مسئله نامش می‌شود. البته قابل درک است که وقتی يك جنبش توده‌ای می‌شود و تعداد شرکت کنندگان حرفه‌ای در آن جنبش بالا می‌رود، تعداد معدودی از آنها احساس ضعف کرده و بخواهند منسوف مبارزه را ترک گویند. این موضوع به خودی خود و از دیدگاه انسانی نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد و باید از زاویه‌ای گوناگون تحلیل شود و صورتی که زبانی را به مجموعه جنبش وارد نماید، حل گردد. و با سوا قیامت که کسانی تحت شرایط خاصی بصورت احساسی و بدون توجه به توان خود وارد مبارزه‌ای می‌شوند که بیاری تحمل شرایط سخت بعدی آنرا ندارند که باید باز هم با توجه به کلیه مسائل و مملحت‌های جنبش انقلابی آنها را کنار گذاشت. ولی يك زمانی هست تعدادی از افراد فرصت طلب و عاقبت چرباده‌فهای مشخص و بمنظور استفاده از موقعیت‌های استثنایی وارد صفوف جنبش می‌شوند و در مواقع خطر باز هم فرصت طلبی کامل خود را کنار می‌کشند و در رد مبارزه و دفاع از شخصیت فرصت طلبانه خود دلسخن می‌دهند. اینگونه افراد که به حق "بریده" گفته می‌شوند معمولا وقتی به این مرحله می‌رسند سرعت سرانیش سقوط را طی کرده و درست در امان دشمن فرود می‌آیند. اصولا اینگونه افراد را میشد از موضع گیری‌هایی که بعد از جدایی از صفوف مبارزه و قرار گرفتن در مکان امن می‌کنند شناخت. اینها همیشه می‌گویند: "من برای این مبارزه را ترک کردم چون توبه بودی" و برای اثبات این ادعای سخف خود آسمان را به زمین می‌آورند. از آنجایی که توطئه از طرف دشمن چیده شده بود، در ارزیابی و شناخت آن با هیچگونه شکلی روبرو نشدم ولی کنجکاو بودم که اینبار شکل قضیه و همچنین نوع پیشبرد آن چگونه خواهد بود.

چندی قبل از نزدیک شاهد تلاشیهای مجاهدین خلق در زمینه‌های مختلف تشکیلاتی و نظامی در عراق بود. پروژه نیروهای ارتش آزادیبخش ملی ایران را که به حق با عظمت هر چه تمامتر بر گزار شد به چشم دیدم. در این میان به تشاهچیزی که فکر می‌کردم پیشرفت‌های نظامی و کیفی این ارتش بود. ولی بعد از بازگشت از روزه در صحبت با یکی از دوستان قضیه عکس العمل رژیم در تبال انعکاس مثبت این روزه و نمایش قدرت مند، در داخل و خارج کشور مطرح شد. در آن موقع فکر می‌کردم که باز هم دشمن مجبور است با سلاح "سکوت" به جنگ این رویداد برود. اما فرمدت کوتاهی و سمت انعکاس اخبار مربوط به این قضیه، دشمن را وادار به طرح ریزی این توطئه نمود. این راه‌توجه به تشابه اقدامات دشمن در مقاطع مشابه می‌گویم. بعد از عملیات فروغ جاویدان مسئله به کشتن دادن "جوانان ایرانی" در عملیاتی "بهبوده" توسط رهبران مجاهدین مسئله محوری محبت‌ها و سخترانی‌های سران رژیم و همفکران و همکاران آنها



در داخل و خارج کشور بود چه فریادهای بلند و کوتاهی که توسط دشمن و همراهان خارج نشینش با عنوان های "جبهه" و "حزب" و "سازمان" و "دمکرات" و "دمکراتیک" و "پادشاهی" و "رادیویی" که سرداده نشد و چه نیروهایی که با همین تلاشهای رژیم و همراهان، منفعل نشدند چه محاسباتی که روی "تسویه حسابهای داخلی" مجاهدین از طرف دشمن دیکته و از طرف متحدینش "نسخوار" نشد.

در مقاطعی که رژیم در مجامع بین المللی به دلیل آدمکشی و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی محکوم می شد نیز به تبلیغات مشابه در زمینه های "رفتارهای خشونت آمیز مجاهدین" و "گشتارهای داخلی مجاهدین" و "خفه کردن صدای مخالفین درون سازمانی" از طرف رژیم برمی خوریم.

از زمان روی کار آمدن رژیم خمینی در ایران تاکنون هرگاه جنبش مقاومت دست به عملی بر علیه این رژیم زده است، چه این عمل به موفقیت انجامیده و چه بسا سرکوب رژیم مواجه شده، دستگاه تبلیغاتی دشمن همواره به کار بوده و برای خنثی کردن تاثیر آن بر روی نیروهای مردمی به تلاشهایی از این قبیل متوسل شده است. بدنبال رویداد تاریخی ۲۰ خرداد ۶۰، دشمن بمسد از به خون کشیدن تظاهرات مردم با تمام تنهوان تبلیغاتی خود "بیپوده" بودن آن و خون "جوانان ایرانی" را پشت درشپیور کرد و در این راه از همیاری جمع امداد تحت عنوانهای "جبهه" و "حزب" و "سازمان" و "سودبرد" مطرح جدید رژیم ایرانی استفاده از برگردانده شدن تعدادی از سربازانی که قبلا در عملیات جنگی به اسارت ارتش آزادیبخش ملی ایران در آمده و بعدا به صفوف این ارتش پیوسته و بعد از پایان جنگ در کنار مبادله اسرا با حضور مقامات صلیب سرخ و نمایندگان سازمان ملل به اردوگاه پناهندگان در شهر رمانیه عراق منتقل شده بودند، به ایران آغاز شد. رژیم با ادعای اینکه این افراد مجاهدینی بوده اند که از "ستم رجوی" به ایران باز گشته اند، کاروری خانواده های رزمندگان ارتش آزادیبخش را شروع کرد و به خانواده هایی که بدلیل شرایط جنگی و قطع ارتباطات خبر از فرزندان ایشان نداشتند اعلام کرد که بیایید و از این افراد در ارتباط با فرزندان و خویشان خود خبر بگیرید. البته از هرگونه شایعه پراکنی و بازی با احساسات خانواده ها هم دریغ نکرد. نمایشات تلویزیونی این افراد و گرداندن آنها فراموشی های سربازان در شهرهای کشور نیز چیزی از این تبلیغات بود. شایعه پراکنی در زمینه مسائل اخلاقی در درون مجاهدین که حساسیت های خاصی را بدلیل فرهنگی ایجاد می کند در میان خانواده ها و در دستگاه های تبلیغاتی نیز از برنامه های دائمی رژیم در این موارد است. تا اینجا قضیه برای کسی که در مبارزه ای تنگنا ننگه با دشمنی این چنین خونخوار بر می خورد چیزی فریبی دیده نمی شود. تاثیرات منفی و غیر قابل اجتناب این تبلیغات روی افکار پائین و ناگاه مردم نیز ناگزیر است. هوکهای تبلیغاتی دشمن شب و روز در داخل کشور به کار مشغولند، و با تسویه حسابی که بتواند این تبلیغات را بصورت همه جانبه خنثی کند، تاثیر مخرب خود را تا اندازه ای حتی روی افکار آگاهتر جامعه می گذارد. باز هم این قضیه تعجبی ندارد و پیش

از این انتظاری نمی رود. اما در خارج کشور، در جایی که کلیه امکانات خبری موجودند و آدم باید فقط به خود زحمت خواندن اخبار و سردر آوردن از مسائل را بدهد، به زبان دشمن تکلم کردن، هم بیگانه با دشمن است. نشریه "فدایی"؟! همانطور که ذکر آن رفت توسط افرادی اداره می شود که نمی توانند بگویند از اوضاع و احوال خبردارند. اینها خوبی می دانند چه خبر است و اتفاقا برای اینکه در میان جمع های مربوطه مطرح باشند، چندی است به روزنامه نگاری افتاده اند و سراغ این و آن می روند و مسامحه و از هر دری صحبت می کنند و بیروال گذشته به خاطر منافع خاصی که حسد آن چندان مشکل نیست، به خنجر زدن به مقاومت مردمی و مسلح خلق که همواره آنها را افشا کرده است، مشغول و به خیانت های خود ادامه می دهند. مستمسک این عده برای ورود به این مبحث مقاله فردی است با سابقه نه چندان درخشان. بنام علی اکبر حاج سید جوادی که مقاله ای را تحت عنوان "فریاد کمونیست از زندانهای رجوی در عراق" به این هاداده و اینها نیز با عنوان "فرزندان های مجاهدین چه می گذرد؟" آنرا درج کرده اند و طبق معمول وانمود می کنند که فقط مقاله ای را در نشریه خود به چاپ داده اند. خطی که این جریان دنبال می کند با حذف رنگ و لعاب هیبتی مارکسیستی که قبلا بدک می کشید، همان خط همکاری با رژیم است که در مقاطع مختلف با اشکال گوناگون خود نمای می کند. فراموش نشود که این جریان همکاری خود با رژیم را نیز با قمر رسیدن به اهداف خاصی و تحت عنوان مبارزه ضد امپریالیستی توجیه می کرد. البته بعضی از این افراد در گذشته در سخنرانی های درون سازمانی خود از این هم خوش خدمت تر بوده و حمایت و اتحاد با رژیم خمینی را استراتژیک ارزیابی کرده و از اینکه جریان دیگر درون این سازمان این اتحاد را تاکتیکی اعلام کرده بود بدست اظهار ناراحتی می کردند. در حال حاضر نیز مخالفت و ضدیت با مقاومت را از زاویه جلوگیری از قدرت رسیدن یک نیروی تحمار گر "که لا بد مانع" رشد و شکوفایی "جامعه ایران و سرچیدن بساط" آزادی های فردی و اجتماعی" و همچنین و بخمسوس مانع فعالیت گروهها و دستجاتی از قبیل همکاران سابق رژیم می شود، عنوان می کنند و بنا بر این بدلیل اینکه ممکن است در آینده با سرنگونی رژیم این خطرات؟! وجود داشته باشند، به تر است که با جاننشین رژیم ضدیت کنند. در اینجا باید به این جماعت گفت، درست فکر کرده اید، در ایران برای اینکه به حساب خیانتها و جنایتهای این رژیم و ایادی رنگارنگش رسیدگی نشود باید حتما! همین رژیم روی کارماند و شماها هم به تر است جامه رنگی خود را از تن بیرون بیاورد و داخل همین رژیم برای حفظ آن بروید. چون بودن شما در خارج و با هزار رنگ خط رژیم را دنبال کردن کسی را کول نخواهد زد.

بدنبال فرج این مقاله که موضوع آن روی گفته های چند نفر از کسانی که قبلا در جبهه مقاومت بوده و در مقاطع حساس از زیر بار انجام وظایف انقلابی شانه خالی کرده و به گوشه امن خارج از کشور آمده و در این مسیر انرژی و وقت زیادی را نیز از مقاومت به هر داده می روند، دور میزنند، علی اکبر حاج سید جوادی در خوش رقصی گوی سبقت از دیگران ران بوده و به تمامی درخواستهای تبلیغاتی رژیم پاسخ مکی می دهد. این افراد که حاج

سید جوادی به اطلاعات آنها استناد می کند، به گواهی مواضعی که در اطلاعیه هایشان گرفته اند، فرصت طلبانی از نوع سوم هستند که بعد از ترک مبارزه، شرافت و صداقت انسانی را نیز ترک گفته و در مسیر فرو پاشی و انحلال به دامن دشمن چنگ می زنند. و از بهرید مناسب ترین نام برای اینگونه افراد است. این بار نیز بیروال معمول آهنگ "جوانان ایرانی"، "زندان های مجاهدین"، "رهبران قدرت طلب"، "مبارزه بیپوده"، "جدایی زن و شوهر" بدستور رجوی و ... شروع به نواختن می کند. و حاج سید جوادی در ارائه تصویری دهشتناک از وضعیت درونی مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی و "زندانهای عراق" دست آخوندهای حاکم را از پشت می بندد. بر خوردی که این شخص در نوشته اش نسبت به مجاهدین و بخصوص رهبران آنها، دارد به گواه آهنگ خصمانه و هیستریک آن و بکار بردن واژه ها و کلمات جو و اجوری که در آن بکار گرفته شده با برخورد نویسندگان وابسته به رژیم تفاوت چندانی ندارد. و اگر اسم نویسنده را از بالا یا پائین آن حذف کنیم با نوشته کیهان هوایی در این زمینه اشتباه می شود. صرف نظر از تشابه صوری مطلب، موضوع مقاله نیز بکرات در تشریحات رژیم منعکس شده و باز هم بسا کمال تعجب! هیچگونه تفاوتی در موضوع وجود ندارد. نکته قابل توجه دیگری که آدم را گیج می کند! تشابه اسامی کسانی است که در نوشته حاج سید جوادی به چشم می خوردند با اسامی کسانی که در نوشته های روزنامه های رژیم دیده می شود و حتما روشن است که با وجود این همه تشابه، کلماتی نیز که در جمله به مجاهدین و مقاومت بکار برده می شوند مشابه باشند. این شخص هرگز نمی تواند منکر شود که این همه تشابه در شکل و محتوا، اتفاقی بوده و او (لا بد از ترس جان) پیشاپیش به خوشترقی برای دشمن خلیج نبرداخته است. با مطالعه این نوشته ها بنظم طبیعی آمد که از هر سو فریاد بلند شود و بر سر نوشت اغشال! "جوانان ایرانی" در بند و زنجیر در عراق؟! در پایی از اشک جاری شود. همانطور که فکر می کردم طولی نکشد و بازار کار "جبهه" و "سازمان" و "حزب" و "دمکرات" و "دمکراتیک" و "پادشاهی" و "رادیویی" به راه افتاد و از هر طرف شروع به فروش متاع کهنه خود کردند. رادیو اسرائیل با سبک خاص خودش، بی سی سی طبق عادت همیشگی، رادیو امریکا در ادامه در فتا نی های سالانه، همه و همه روی اظهارات همان افراد که رژیم کول کرده بود، منتها گاهی با اسامی کامل، گاهی ناقص، گاهی مستعار و با چاشنی مادری بدنبال فرزند خردسال، زنی در جستجوی همسرش، پدربدری ... الاخر در این میانه دستجاتی نیز همیشه پیدا میشوند که در ابتدا تماشا کردند و سعی می کنند تا آخر صبر کنند و نتیجه را ببینند و با حساسیه اوضاع و احوال خود را وارد بازی کنند. گروه موسوم به "اکثریت" یکی از این جریان است که با قدری تاخیر وارد بازی می شود و برای اینکه فاصله زمانی قضیه را بپایک برش طی کند بخيال خود صحنه بازی را برخلاف دیگران طرح ریزی می کند. این جماعت در اطلاعیه های که بهمین منظور داده می نویسند:

"محکومیت اقدامات سرکوبگرانه و سیاست رزیلاسه رژیم نسبت به مجاهدین هرگز بدان معنی نیست، آنطور

قطعنامه پارلمان اروپا

در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران

قطعنامه ۳۱۷/۹۲-۵۳

در رابطه با نقض حقوق بشر در رژیم خمینی پارلمان اروپا در اجلاس خود قطعنامه‌ای بشرح زیر صادر کرد:

آ - باتوجه به قطعنامه مورخه ۱۸/اوپرل/ ۱۹۹۱ پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران که در آن نقض آشکار حقوق بشر در ایران و فعالیت های تروریستی هدایت شده توسط رژیم ایران در اروپا محکوم شده است -
ب - با ابراز نگرانی شدید از افزایش چشم گیری اعدای رسماً اعلام شده و درملاء عام و نیز دستگیری ۹۸۱۱۲ نفر طی سال ۱۹۹۱.

ب - با ابراز نگرانی عمیق پیرامون دستگیری تعداد زیادی از شاهین و قربانیان نقض حقوق بشر که سعی نمودند در ماههای اخیر بخصوص روز ۱۲ آسامبر ۱۹۹۱ در مقابل کمیته ملیب سرخ جهانی در تراسران شهادت دهند -

د - باتوجه به اینکه نقض حقوق بشر در ایران همچنین به شکل تبعیض قومی و جنسی متجلی گشته که بویژه در محدود کردن زنان در دستیابی به حقوق برخورداری از تحمیلات و استخدام انعکاس یافته است -
ای - با ابراز انزجار از ادامه افزایش فعالیت های تروریستی رژیم ایران در خارج آن کشور از طریق مراکز دیپلماتیک خود، بویژه توطئه نافر جام ترور آقای مسعود رجوی رهبر مقاومت ایران

اف - منجزاً از اعمال فشار بر هیات دیپلماتیک سوئیس در تهران توسط رژیم رفسنجانی، در عکس العمل به دستگیری یک کارمند سفارت ایران در برلین بدلیل شرکت احتمالی در فعالیتهای تروریستی -

ج - با ابراز نگرانی پیرامون ادامه ابفای مجازات مرگ سلمان رشدی که توسط خمینی اعلام و توسط خائنه‌ای و رفسنجانی تأیید شده است،

۱- از اجلاس وزیران خارجه در همکاری سیاسی جامعه مشترک اروپا خواستار محکومیت نقض شدید و سیستماتیک حقوق بشر در ایران بویژه افزایش تعداد اعدام های غیرقانونی و دستگیری های گسترده و خود سرانه شهروندان شرکت کننده در تظاهرات و اجتماعات می باشد -

۲- ارجاع به سوال ارائه شده توسط گروه کشورهای جامعه مشترک اروپا به چپل و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که در آن ضمن محکوم نمودن نقض حقوق بشر در ایران خواستار تمدید مانیتورینگ (بررسی و نظارت) وضعیت حقوق بشر در آن کشور شده است -

۳- از رئیس پارلمان اروپا خواستار ارجاع این قطعنامه به رئیس جاری شورا، کمیسیون پارلمان اروپا دبیرکل سازمان ملل و رئیس کمیسیون حقوق بشر سوئد و همچنین تقاضا دارد که شورا توجهات خاص خود را به وضعیت روه و خاست در ایران معطوف سازد -



در سالگردیم خون تپیدن رفیق کبیر فدایی شهید بیژن جزنی و همروزمانش یاد آنان را گرامی بداریم

از صفحه ۱

روز ۲۰ فروردین ۱۳۵۲، روزندگان دلهره فدایی، رفقها! بیژن جزنی، حسن ضیا ظریفی، عزیز سردی، شمسوفند (سعید) کلانتری، عباس سورکی، مجید چوپشان زاده، و احمد جلیل افشار در زندان اوین بدست منبسطیوران ساواک شاه همراه با دو مجاهد خلق کاظمی و لانسوار و مصطفی جوان خوشدل شهادت می رسند رژیم شاه با این جنایت بزرگ خود، صفحه‌ای دیگر بر خیانت ها و جنایت های خود در قبال مردم ایران افزود. شهادت این مبارزین راه آزادی و ترقی، موجی از خشم و تنگس در محافل سیاسی داخلی و بین المللی و در بین مردم ایران و زندانیان سیاسی ایجاد نمود. شهادت رفیق جزنی و همروزمانش، برای جنبش کمونیستی ایران - ضربی سهمناک و جبران ناپذیر بود که عوارض آن هنوز بر جای مانده است. رفیق بیژن جزنی در جنبش کمونیستی ایران جای ویژه‌ای داشت. وی یکی از معدود چهره های این جنبش بود که توانایی رهبری یک جنبش مسلحانه را داشت. او که نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد جنبش مسلحانه انقلابی داشت، نه فقط یک چریک فدایی، بلکه یک رهبر برجسته سیاسی و یک رجل انقلابی و ملی در جنبش رهایی بخش میهن ما بود. رفیق بیژن جزنی از دوران نوجوانی تاهنگامی که شهادت رسید، در مبارزه سیاسی علیه رژیم شاه، بطور فعال شرکت داشت، او نه فقط یک اکتیویست سیاسی، بلکه یک سازنده و یک پر اتیسن فعال بود. او از آن رهبران نادری در جنبش کمونیستی ایران بود که منافع جنبش طبقه کارگر ایران را بخوبی درک می کرد و هیچگاه تحت تاثیر "قطب" های بین المللی در جنبش کمونیستی قرار نمی گرفت. برای او مبارزه در راه رهایی کارگران و زحمتکشان

ایران و رسیدن به ایرانی آزاد، دموکراتیک، مستقل و سوسیالیستی، مساله اصلی و مرکزی بود و با تمام توان در این راه می کوشید. رفیق بیژن جزنی در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه، با راهب زندان افتساد و آخرین باری که فرسال ۴۶ دستگیر شد، در بی دادگاه - های رژیم شاه از منافع و مصالح جنبش ترقی خواهانه مردم ایران بشدت دفاع نمود. دادگاههای فرمایشی رژیم شاه، او را به ۱۵ سال زندان محکوم نمودند. رفیق بیژن جزنی، زندان رژیم شاه را به یک پشت جبهه فعال برای جنبش مسلحانه انقلابی و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران تبدیل نمود. بسیاری از کادرهای این جنبش که پس از سالهای ۱۳۵۱ به سازمان پیوستند، تحت آموزش فعال این رفیق بودند و توسط همین رفیق به سازمان وصل می شدند. رفیق جزنی در حفظ و تداوم رابطه سازمان با نیروهای داخل زندان نقش موثری و تعیین کننده ای داشت. وی از زندان توصیه ها و روش های خریدنانه و راهگشایانه‌ای به رهبری سازمان ارائه داده بود که متأسفانه بسیاری از آنها از طرف کادر رهبری سازمان مورد توجه قرار نگرفت. رفیق بیژن جزنی که بطور فعال و مستمر از مبارزه مسلحانه انقلابی حمایت می نمود، در زندان اوین کتابهای بسیار ارزشی تئوریک - سیاسی نوشت و آنرا به خارج از زندان و برای سازمان فرستاد. او با عشق عمیقی که به آزادی مردم ایران داشت، با همه انواع اپورتونیزم و دکماتیسم بشدت مبارزه می نمود. بسیاری از کسانی که پس از شهادت رفیق بیژن جزنی، از او ستایش می کنند، در زمان حیات این رفیق او را بشدت مورد حمله کین تو زانه قرار می دادند. رفیق بیژن جزنی، بمثابة یک رهبر آگاه، پیشرو و بارهنگ مدرن، مورد بنفش و کینه عناصر متحجر و دگمی بود که تحت پوشش مارکسیسم، دبدگاه - های ارتجاعی خود را تبلیغ و ترویج می کردند. برای

در صفحه ۱۰

حیزبی دیموکراتی کوردستانی تیران ریبه را یه تی سوزش کینر



شهیدانی نه مری حیزب و گهل

* شهیدانی: دهورانی کۆماری خودمختاری کوردستان

* شهیدانی: خباتی چه کدارانی ۴۶-۴۷ و...

* شهیدانی: شۆرش گهلی کوردله دژی کۆماری

نیلامی تیران

اخیرا حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی، کتابی تحت عنوان "شهیدان حزب و خلق" در ۴۶۰ صفحه و با قطع آ - ۴ منتشر نموده است. در این کتاب اسامی ۲۱۶۶ نفر از شهدای قهرمان حزب شه در راه آزادی و خودمختاری در دوران رژیم جمهوری اسلامی شهادت رسیدند و نیز اسامی ۱۰۵ نفر از شهدای این حزب در دوران های قبل از انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ همراه با مدعا عکس از شهدای حزب بچاپ رسیده است. برای دست اندرکاران این اقدام ارزشمند آرزوی موفقیت و پیروزی می کنیم.



در رابطه با کودتای نافرجام ۹ اوت در اتحاد جماهیر شوروی سابق نشریه اسپیکل چاپ آلمان بعضی آزادسان مربوط به بازجویی از سران کودتارابه چاپ رسانیده است. نبرد خلق ترجمه این اسناد را در چند شماره برای اطلاع خوانندگان منتشر می‌کند.

"من این ماجراجویی را محکوم می‌کنم"

بازجویی از مارشال دیمیتری یازف در تاریخ ۲۲ اگوست

دنیاله مطلب از شماره قبل

سوال: این وضعیت کبریت و سمپاده است، فقط یک تضاد می‌توانست کافی باشد.

یازف: چه کسی می‌توانست تصور کند از بالا، از تونل خیابانی، گوکتل مولوتف پرتاب می‌شود؟ آنجا یک سنگراز اتوبوس درخت شده بود و از پشت نیز راه رابسته بودند. در آنجا ۵ یا ۶ تانک حافظنی در تونل مذکور به چیزی شبیه تله افتاده بودند.

سوال: آیا بخشی از یگانها عوض شده بودند، به عنوان مثال جلوی کاخ سفید؟ شاید به این دلیل کشته آنها در تماس با مردم قرار گرفته و دیگر از نظر سیاسی قابل اعتماد نبودند؟

یازف: یک هنگ از لشکر تولا و فرماندهاش، فرمانده قلبی همین لشکر و دوست نزدیک بلتسین، او هنگ راعقب کشید برای رفع تشنگ، آرامش و غیره

سوال: وجه کسی به جایش آمد؟

یازف: از همان لشکر دوباره یک بخش دیگر آنها نمی‌توانستند دائم آنجا باشند، همچنین می‌بایست چیزی بخورند و بخوابند. اما زمانی که روز دوم آغاز شد، من دیدم که اتوبوس، اتوبوس و دکا به آنجا وارد کرده‌اند. همین وسیله هم تلاش می‌شد که سربازان را از خدمت زیر پرچم دور کنند. خوب، یک آدم مست در یک چنین تانکی یک خطر فوق العاده است.

سوال: چه زمانی متوجه شدید که این کودتا، این سقوط...

یازف: چطور می‌شود این را کودتا نامید؟ ما تقریباً به شوخی به یانایف گفتیم، در انتها این کار نباید مثل شوخی بشود. او گفت میخائیل سرگیویچ دوست من است، اگر او دوباره سالم بشود، به کار خود باز خواهد گشت تا مردم آرام بشوند.

سوال: و اینجا شمامی خواستید عقب نشینی کنید و دبر و زعملاً مسیر پشیمانی را پیش گرفتید؟

یازف: بله، بخدا من صبح زود دستور دادم که دسته‌ها عقب بکشند، در برچیدن سنگرها کمک کنند، که نقطه پایانی بر این رسوایی نهاده بشود. من با تسوان و تممیم خودم عقب نشینی را آغاز کردم، من فهمیدم که

یک چنین شوخی ای با مردم نباید کرد.

سوال: و حالا لطفاً صادقانه بگوئید: آیا اینگونه طرح ریزی نشده بود که مردم کودتاراهم می‌کنند؟ یازف: من فکر می‌کنم این امر هرگز اتفاق نیفتاد. من به شما اینرا صادقانه می‌گویم.

سوال: سوال را دوباره تکرار می‌کنم: اگر مردم کودتاراهم می‌کردند، با گریباف چگونه برخورد می‌شد؟

یازف: فکر می‌کنم ارتباطات دوباره برقرار می‌شد و او مجدداً به مسئولیت خود می‌گشت. زیرا کسانی که به جای او نرفته بودند، لایق نبودند.

سوال: اما مردمی که اینگونه به شرافتش توهین شده، با خانواده‌اش محبوس گردیده، چگونه می‌توانست همکاری کند؟

یازف: سوال بجایی ست. اما برای من اکنون بسک وضعیت دردناک است.

سوال: شما می‌بایست برای این وضعیت فکری کرده باشید؟

یازف: مانه بطور کوتاه مدت و نه دراز مدت فکری کرده بودیم.

سوال: اگر همه چیز درست می‌شد بالاخره می‌بایست فکری هم در این باره می‌شد که چگونه باید با گریباف رفتار شود.

یازف: در این باره هیچکس نپنداشیده بود. من بر این عقیده بودم که گریباف باید بازگردانده شود.

سوال: تابستان او را متقاعد کرد؟

یازف: من چنین نقشه‌ای طرح نکرده بودم اما روی آن حساب می‌کردم.

سوال: چگونه می‌خواستید طرفداری مردم را جلب کنید؟

یازف: ما حساب می‌کردیم که مقداری کالا بگنجانیم ذخیره پارو زو جایی موجود هست، ما (ما و من نخست وزیر) شجر باکف را مخصوصاً احضار کردیم. او گفت: چیزهایی که شما می‌خواهید هیچکدام وجود ندارد. این را جمهوری های متحد دارند، آن یکی اصلاً نیست، این یکی را ما هم نداریم، آنرا دریافت نمی‌کنیم، از پرداخت وام به ما خودداری می‌شود، تا پنج روز دیگر باید مثل گرگ زوزه بکشیم.

سوال: دلیل بیماری پاولف چه بود؟

یازف: فکر می‌کنم استفاده نابجا از الکل. شاید هم او این کار را کرد. تا از بازی دور بماند. من او را دو سه بار دیدم. کاملاً مست، وقتی که او به من تلفن زد، از لحن صدایش فهمیدم. هنگامی که وی جلسه کابینه را اداره می‌کرد گفت: "همه را دستگیر کنید"، یعنی عصر نوزدهم.

سوال: چرا اصلاً این جریان شروع شد؟

یازف: ماجراجویی این است دیگر، نقشه‌ای در کار نبود، مقدماتی تهیه دیده نشده بود، و خوب هم شد که که مانقشهای نداشتم و این جریان در هم شکسته شد. آنچه که اکنون برای ما اتفاق می‌افتد صرف نظر از اینکه تیرباران، اعدام یا هر شکل دیگری باشد را تحمل خواهیم کرد. این بهتر از رسوایی ست که ممکن بود روی بدهد. از کسانی که کودتا کردند، هیچکس سرکارش حضور نداشته، این یکی مریض بود، آن یکی مست بود. سوال: اکنون باید پرده‌ها کشیده شوند. این سخن خواهشی ست که باید آنرا بپذیریم، شاید یک تدبیر

امنیتی ست.

یازف: آیا کسی فکری می‌کند که احتمالاً به اینجا حمله خواهد شد؟

سوال: کسی نمی‌داند. اما خبر ابکاری را نمی‌توان منتفی دانست. شاید هم برای آزاد کردن شما؟

یازف: در این باره باید قبلاً فکری شد.

سوال: اکنون خودشان نقش تان را چگونه می‌بینید؟

یازف: من ترجیح می‌دادم به زمین فرو شویم و احساس بدبختی بی‌پایانی دارم. من تقاضای بخشش دارم، هم چنین از خانم گریباف و میخائیل سرگیویچ. من به جرم خود در برابر مردم معترفم. تنها کاری که اکنون می‌توان کرد این است که تلاش نمود تا در نیروهای مسلح دیگر کسی یک چنین عمل احقانه‌ای را تکرار نکند.

می‌خواهم بگویم این نمونه باید درسی برای همه ما باشد.

سوال: من دوست دارم باور کنم که شما به قبح جرم خود آگاهید و می‌دانید که کشور را به چه شرایط سختی کشانده‌اید...

یازف: من حتی نمی‌توانم این را نفی کنم. کسیا در این زمان وضع دفاع کشوری ما هم در شرایطی گسسته ارتباطات پرزیدنت و فرمانده کل قوا قطع شده و اطلاعاتی دریافت نمی‌کند و همچنین نمی‌تواند بدهد، در بهترین فاز خود نیست.

سوال: واحد راکتیا و بقیه چیزها اکنون مرتسب است؟

یازف: بله، کدها در ستاد فرماندهی نزد فرمانده واحد راکتیا ست، تمام دستگاه ها سیستم ها از ساعت ده امروز نزد گریباف است. هیچکس از واحد راکتیا، دفاع استراتژیک و شهری هوایی، همچنین ناوگانها با این ماجراجویی رابطه‌ای نداشته است. آنها از جریان بی خبر و با ما هم ابدار رابطه نبودند.

سوال: شما اکنون این امکان را دارید که بسینه پرزیدنت گریباف پیام بدهید؟

یازف: بانوامیر پنجاه سال می‌شود که من در نیروهای نظامی هستم و من پیر خرفت خودم را قاطعی این ماجراجویی کردم. من اکنون پشیمانم و می‌دانم که چه شوکی به شما وارد کرده‌ام. اکنون پشیمانم. شاید حالا برای آنچه که کرده‌ام، البته که نیروهای نظامی مان راه خیابانهای مسکو فرستادم، دیر شده باشد.

می‌دانم که شما آدم خوش قلبی هستید و احتمالاً بسیاری مسائل را در نظر می‌گیرید. من در جنگ بودم، دوبار زخمی شدم. از شما خواهش می‌کنم مرا به دادگاه نظامی نکشانید بلکه باز نسته‌ام کنید. من این ماجراجویی را محکوم می‌کنم. من بقیه عمرم را در پشیمانی آنچه که نسبت به شما، کشور مان و مردمان انجام دادم، بسر خواهم برد.

ترجمه از بابک

عبدالله (آپو) هوای صلح فرسردار

روزنامه صباح - ۹۱/۱۱/۷ - ترکیه

توضیح: اوضاع بحرانی و متحول در کردستان ترکیه که از بحران سیاسی در خاور میانه بطور عام و از بحران سیاسی و اقتصادی ترکیه بطور خاص تأثیر می‌پذیرد توجه محافل و رسانه‌های بین المللی را نسبت به



مسئله کردها در ترکیه بیش از هر موقع دیگر بخود جلب کرده است. "حزب کارگران کردستان" بزرگترین سازمان یافته ترین و پرنفوذترین نیروی سیاسی در کردستان ترکیه است. در جریان انتخابات اخیر در ترکیه، تلاشهای متعددی برای انجام مذاکرات بین این حزب و دولت جدید ترکیه صورت گرفت که تمامی این تلاشها تاکنون بعلت سیاست سرکوبگرانه دولت ترکیه، ناموفق بوده است. نبرد خلق برای اطلاع از دیدگاههای "حزب کارگران کردستان" مصاحبه بارهبر این حزب که اخیراً در یکی از روزنامه‌های ترکیه منتشر شده است را بچاپ می‌رساند.

مقدمه خبرنگار: رهبر پك ك عبدالله گفته است: ما يك شانس جديد به دولت تركيه مي‌دهيم تا بينيم چكار خواهند كرد. مادر اين دوران يك عمليات بزرگ انجام نخواهيم داد.

این مصاحبه که ۲ ساعت بطول انجامید در دوره بقاء لبنان صورت گرفت، عبدالله (آپو) رهبر پك ك نقطه نظرات خود را درباره خلقهای ترك و كرد در ترکیه دمکراسی و فرقی دولت امروز ترکیه با دولت قبلی ترکیه، درباره حزب زحمت مردم ترکیه و همکاری این حزب قانونی با پك ك و همچنین درباره فعالیت علنی خود بیان داشت.

۱- دمیرل: مبارزات مردم باعث کناره گیری نظامیان و روی کار آمدن دمیرل شد. در این مبارزات ما نقش اصلی را داشتیم و نتیجه آن شد که اوزال و آقچیل بولد و مسعود یلماز کنار رفته و دمیرل روی کار بیاید. من فکر می‌کنم که دمیرل این وضعیت را درک کند و ما هم يك فرصت شاید هم يك شانس جديد به دمیرل می‌دهیم. این فرصت (از روی ترس و یا سرمای زمستان نیست)، ما واقعا در فکر مذاکرات سیاسی با دولت هستیم و در این شرایط جدید اگر دولت در فکر سازش با صلح باشد، ما می‌توانیم درباره آتش بس صحبت نمائیم و این کار باعث جلوگیری از کشتار سربازان خواهد شد.

۲- گلانتوست عبدالله (آپو): من صرفاً در فکر ترور نمی‌باشم و در حکومت بنیال چند دوست هستیم. به همین دلیل این روزها عملیات بزرگ انجام نمی‌دهیم. اما يك مثل قدیمی هست که می‌گوید: خون در مقابل خون و چشم در مقابل چشم. من ترکیه را خراب و نابود و پارچه، پارچه نمی‌خواهم. من در همین سلطنت پرورش یافته و آموزش دیده‌ام.

۳- یورش به سربازان - نظامیان در فکر جدیدی هستند اینکار برای آنها گران تمام خواهد شد. در جلسه‌ای که دمیرل و ژنرال هابام داشت، ژنرال هابام ۲۵ بار کلمه نخست وزیر را بکار برده است. دمیرل زیر سایه مابه این احترام رسید و ما ژنرال ها را از حال و هوای خود ستایی و خود بزرگ بینی به حال گوشه گیری کشانیم.

۴- حزب زحمت مردم ترکیه: حزب زحمت مردم ترکیه يك حزب قانونی در ترکیه می‌باشد و مابه هواداران خود گفته‌ام که به این حزب رای بدهند. ما به آنها گفته‌ام اگر بتوانید کار کنید مابه شما کمک خواهیم کرد و این عمل ما يك تاكتيك می‌باشد. ما این حال بعضی هابه ما گفته‌اند که حمایت از "حزب زحمت

مردم ترکیه" حمایت از فاشیست ها و فرمیست ها و تقویت آنهاست و گفته‌اند: نباید از آنها حمایت کنیم. ولی من می‌گویم "این ما هستیم که راه راه حزب نشان می‌دهیم و به آنها گفته‌ام فعال باشند. آنها از ما سوال کردند که از حزب سوسیال دمکراسی جدا شویم یا نه؟ ما جواب دادیم جدا شویم و با آنها باشیم و در درون آنها فعالیت کنید و در مجلس از خود فعالیت زیاد نشان دهید. آنها پرسیدند: اگر دمیرل خواست با ما مذاکره کند چه کنیم؟ گفتیم با او مذاکره نکنیم. با او به کردستان بروید با او در آنجا میتینگ بگذارید و بحث و گفتگو کنید. همه این مسائل تنها از عهدی این حزب بر نمی‌آید. اساس مسئله ما هستیم و تعیین کننده ما هستیم.

۲- اوزال با دولت ایران برای فشار بر ما فعالیت مذهب‌پویان به توافق رسیده‌اند. ما را ایران کنترل کنند و اینکار را نمود. در عوض مذهب‌پویان در ترکیه فعالیت داشته باشند و این باعث کشتار انسانها در ترکیه بدست عبدالله قادر (وزیر کشور سابق) و بناد و ایلچهای اسلامی و ترورهای کوردر و روستاها شد. این اعمال نیز بدست همین افراد مذهبی و مسلمانان طرفدار ایران و خمینی چی ها در ترکیه صورت می‌گیرد. ما بموقع این مسئله را روشن و واضح بیان خواهیم کرد.

۳- در آرزو آرزو مواد مخدر. ما يك جریان بی بند و بار نیستیم. در اروپا همه روزه این مسئله را بیان می‌کنند که در آرزو از مواد مخدر است ولی این چنین نیست. در آرزو ما از هواداران می‌باشد.

۴- کردها با ما هم‌گرا شده‌اند: اخیراً درگیری‌های مابین نیروهای کرد عراق و نیروهای ماصورت گرفته، بعضی از رفقای ما را کشتند و بعضی را دستگیر نمودند. این کار آنها وضعیت و وضعی را بوجود آورده است. از طرف مادرگیری وجود ندارد. اگر درگیری بوجود آید ما هم ساکت نخواهیم نشست. آنها در تمام مناطق مرزی با ما درگیری می‌شوند و در آخرین درگیری از مابا کشته و زنده‌مانی گرفته‌اند.

۵- عملیات مرزی - در مورد عملیات هوایی دولت ترکیه ما يك نفر از دست ندادیم. عملیات هوایی يك چیز بی موردی می‌باشد. مین های ما کار کرد زیاد داشت. تعداد زیادی از نیروهای دولت کشته شدند و دولت در فکر نبرد جدیدی می‌باشد که در مقابل ما استادگی کند. ما ارتش از عملیات ما وحشت دارد.

۶- سربازان اسیر، در هر حال فکر کنم حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر اسیر داریم. اصلاً فکر ما گرفتن اسیر نیست. ولی رفقای ما اینکار را کردند. ما آنها را آزاد خواهیم کرد. در يك مذاکره و بیا یک راه دیگر.

۷- درباره چپ انقلابی - چپ انقلابی از ما نیرو می‌گیرد. این يك حقیقت است اما مابه آنها تعلیمات آدمکشی نمی‌دهیم. آنها از چه طریق و بیا چه برنامه ای می‌خواهند ترکیه را درست کنند برای ما جای تعجب است. شاید با آنها صحبت نمائیم ولی آنها وضعیت روشنی ندارند. راستش نمی‌دانم باید آنها را تروریت دانست یا دارای يك تفکر عقب افتاده.

۸- در مورد پروین چک (رهبر حزب سوسیالیست ترکیه) - من به پروین چک گفتیم اسمی نمایندگان حزب خود را به ما بدهید تا از آنها حمایت کنیم. تا هواداران ما به آنها رای دهند ولی او قبول نکرد. ولی پروین چک در میتینگ های انتخاباتی خود طرح

و برنامه ما را برای مردم می‌گفت. و بعد گفت من بزرگترین میتینگ ها را ترتیب دادم. بعد مابه و گفتیم که "شما فقط کار یک جوان را کردی" که وی از ما ناراحت و دلگشرد.

۱۰- روابط خارجی ترکیه - کشورهای خارجی که با ترکیه در تماس می‌باشند همیشه راجع به مسائل کردستان ترکیه حساس می‌باشند و این مسئله را در دستور مذاکرات خود جای می‌دهند و از ما بارها دعوت شده به کشورهایشان برویم. لان دول اروپا روی مسئله کردستان وحل آن پافشاری می‌کنند و همیشه برای فشار به ترکیه یا "تهدید" مسئله مارا می‌مان می‌کنند و صحبت از حمایت از ما می‌کنند.

۱۱- روابط مابایونان - پوپا سوک و حزب دمکراتیک جدید و یک ژنرال بازنشسته که در یونان به قدرت رسیدند. ما از آنها خواستیم که يك ایستگاه رادیویی در نوار مرزی تاسیس نمائیم. آنها قبول کردند ولی گفته‌اند که خرج رادیو ۱۰ میلیون درخوا خواهد شد و گفته‌اند این پول را شما باید بدهید. ولی ما جواب دادیم که ما حاضر به پرداخت این پول نیستیم و گفتیم اگر دوست ما هستید رادیو برای ما تاسیس نمائید و با ما صحبت از تجارت نکنید و اگر بخواید می‌توانید با ما کمک کنید. قابل توجه است که دولت یونان برای تهدید دولت ترکیه هزار گاهی می‌گوید که ما از پك ك حمایت خواهیم کرد.

۱۲- روابط با دولت قبرس - نمایندگان مجلس قبرس با ما مذاکره کردند و درباره نقاط اشتراك میان ما یکدیگر صحبت کردیم ولی دولت امریکا از آنها در اینباره توضیح خواست.

۱۳- در مورد روابط با سوریه - در این مورد ما باید بگویم که در ما سفند گذشته نیروهای سوریه سرا دستگیر کردند. نمی‌دانم این يك زست بود یا يك اتفاق ساده. البته ما این حرکت دولت سوریه را جدی نگرفته‌ام. وضعیت دولت سوریه يك مسئله مهم اساسی می‌باشد. در ترکیه گفته می‌شود دولت سوریه برای فشار به ترکیه از پك ك استفاده می‌کند و این موضوع تا این حد و اندازه نیست. در لبنان ۷۲ سازمان سیاسی وجود دارد که ما یکی از آنها می‌باشیم.

۱۴- روابط مابا سازمان آزادیبخش فلسطین و لیبی - افتتاح دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین در ترکیه نشان قدرت مامی‌باشد. چون قبلاً ابوجهاد در ترکیه در ملاقاتی که با تورگوت اوزال داشت گفت: در صورتی که اجازه افتتاح دفتر سازمان را بماندهید ما از پك ك حمایت خواهیم کرد و در صورتیکه اجازه دهید ما کامیون اسلحه به شما "هدیه" خواهیم کرد. ما سالهای زیادی در میان فلسطینیان بودیم. و در مورد لیبی هم قذافی هر زمان صحبت از حمایت از ما می‌کند ما خوب می‌دانیم که این فقط برای فشار به دولت ترکیه می‌باشد. البته من اخیراً از قذافی يك نامه داشتم.

۱۵- روابط با عراق - ما قبلاً با دولت عراق در باره مسئله کردستان ارتباطاتی داشته‌ام و بعد از مسئله کویت هم قرار شد در صورت حمله ترکیه به عراق ما هم علیه ترکیه با عراق همکاری نمائیم. ولی این فقط در حرف باقی ماند. نظر مدام این بود که برای اوزال مسئله ایجاد نمایند. همه ما سیر عراق در ترکیه گفته بود که ما رابطه‌ای با پك ك نداریم و این يك حقیقت

در صفحه ۱۰

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

در سالگردیه خون تپیدن... از صفحه ۷

نمونه مخالفت او با انقلاب فرهنگی در چین و اثرات آن در جنبش مسلحانه ایران، اگر چه هیچگاه بصورت مدون و مکتوب در نیامد، اما سبب خشم و غضب بسیاری از آخوندهای مارکسیست نماد رفیق بیژن جزنی در مقابل تمامی این حملات کین تو زانه، با گامه سنجیده، اندیشه‌های پیشرو و انقلابی خود را تبلیغ و به سازمانگری در زندان می‌پرداخت. رفیق جزنی علاوه بر اینکه یک رهبر توانا و سیاستمدار برجسته بود، دارای توانایی‌های هنری بسیار بود. او نقاش و شاعر بود. به موسیقی و تئاتر علاقه بسیار داشت. ساواک رژیم شاه که از نقش این رفیق در جنبش و زندان آگاه بود، او را به همراه اثنی از کادرهای جنبش مسلحانه به شهادت رساند و بدین ترتیب جنبش کمونیستی ایران را از وجود یک رهبر اندیشمند و توانمحرور نمود. اما علیرغم اینکه اکثر نظرات و دیدگاههای رفیق جزنی بصورت کامل تدوین نشد، اما از این رفیق آثار با ارزشی برجای مانده که به ویژه امروز پس از فروپاشی اردوگاه "سوسیالیسم واقعا موجود" برای جنبش کمونیستی ایران درسهای بسیار ارزشی دارد. رفیق بیژن جزنی ستاره درخشانی بود که در اعماق تاریکی درخشید و در سحرگاه جنبش رهاشانی بخش مردم ایران خاموش شد. او شاهد قیام ۲۲ بهمن و مسائل بعد از آن نبود و جای او در جنبش مابا هیچ چیز پر نشد. اگر او انقلاب بهمن مانده بود، مسلماً سرنوشت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، چیزی جز این بود که امروز هست.

امسال ۱۷ سال از شهادت رفیق بیژن جزنی و همرزانش می‌گذرد، یاد آنرا گرامی می‌داریم و به ارمان و راه آنان و قاداری می‌مانیم. پس از شهادت این رفیقان بدین نسل وارد جنبش پیشتاز فدایی شدند و باز هم نسل‌های دیگر این راه را ادامه خواهند داد تا راهی کامل کارگران و زحمتکشان مبین ما و تحقق استقلال دمکراسی، صلح و سوسیالیسم.

انتخابات و...

از صفحه ۱۱

راهی که رفسنجانی می‌رود، راهی است که اگر خمینی زنده بود، آنرا می‌پیمود. اما این راه به هیچوجه نمی‌تواند، برای بن بست ها و بحران‌های درون رژیم درمانی جدی باشد. بحران و بن بست رژیم ناشی از سیستم ولایت فقیه و حکومت آخوندی است. اینک دست رفسنجانی برای سیاست گذاری بسته است، به علت وجود اکثریت فعلی مجلس نیست. این کلیت رژیم است که بحران‌زاست و اساسا موجودیت آن به وجود بحران بستگی دارد. بنابراین از اکثریت است انداختن خط امام در مجلس چهارم نیز نمی‌تواند برای رژیم راهگشا باشد. برای مردم وضع از اول معین شده است. مردم حقی برای شرکت در امور مربوط به خود در رژیم جمهوری اسلامی ندارند، و بنابراین انتخاباتی که حتی برای جناح‌های تشکیل دهنده رژیم دمکراتیک برگزار نمی‌شود، نمی‌تواند برای مردم بشکل دمکراتیک و آزاد برگزار شود. سهم مردم از این انتخابات نیز مثل تمامی سیاست‌ها و اقدامات رژیم، فقر، بی‌خانمانی، سرکوب و فشار است و بنابراین تنها سیاست درست و اصولی، تحریم کامل این انتخابات و افشا هرگونه سیاست توهم پراکنی در رابطه با آن است. هر سیاستی که اندکی از تحریم کمتر باشد، یک سیاست ضد مردمی و ضد دمکراتیک بوده و مدافعین آن علیه منافع و مصالح مردم ایران و در جهت تقویت رژیم خواهد بود.

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۴

۱۳۵۸/۱/۵ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مردم سنجند (نوزوز خونین)
 ۱۳۵۸/۱/۶ - آغاز جنگ تحمیلی به مردم ترکمن صحرا توسط رژیم جمهوری اسلامی
 ۱۳۵۸/۱/۱۲ - انجام اولین رفراندوم ضد دمکراتیک رژیم جمهوری اسلامی
 ۱۳۵۸/۱/۱۸ - شهادت دانشجوی مبارز ناصر توفیقیان در حمایت از راهپیمایی کارگران بیکار شهر اصفهان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
 ۱۳۵۸/۱/۲۱ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مقر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آبادان
 ۱۳۵۹/۱/۷ - قتل عام مردم دهکده قلاتان در کردستان توسط رژیم خمینی
 ۱۳۵۹/۱/۱۹ - قطع رابطه سیاسی امریکا با رژیم خمینی
 ۱۳۵۹/۱/۲۹ - یورش جنایتکارانه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به شهر سنجند و آغاز جنگ یکماهه در داخل شهر و نیز آغاز دور دوم جنگ علیه مردم کردستان
 ۱۳۶۱/۱/۴ - شهادت رفیق فدایی محمد حرمتی پور و چهار نفر از یارانش در جنگ‌های مازندران
 ۱۳۵۹/۱/۷ - عملیات قهرمانانه پرسنل نظامی مجاهد خلق علیه مزدوران رژیم خمینی در یادگان لویزان
 ۱۳۶۲/۱/۸ - قتل عام مردم روستای کانی رش و پیشران جیح در کردستان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
 ۱۳۶۶/۱/۲۸ - تصویب طرح حقوق زنان در شورای ملی مقاومت

روژه‌های جهانی

۲۱ مارس برابر با اول فروردین - روز بین المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی
 ۲۷ مارس برابر با ۷ فروردین - روز بین المللی کتاب کودک
 ۷ آوریل برابر با ۱۸ فروردین - روز جهانی بهداشت رویدادهای خارجی
 از ۲۱ مارس تا ۲۰ آوریل
 ۲۶ مارس ۱۷۷۰ - تولد لودویگ بتهوون موسیقی دان بزرگ
 ۲۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس، نخستین حکومت کارگری در جهان
 ۲۸ مارس ۱۸۸۶ - تولد ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ روس
 ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ - ترور امیلیانو زاپاتا از رهبران مردمی مکزیک
 ۴ آوریل ۱۹۴۵ - آزادی کشور مجارستان از سلطه دولت فاشیستی هیتلر
 ۹ آوریل ۱۹۴۸ - قتل عام وحشیانه مدهانفرازه مردم فلسطین در روستای (دیر یاسین)
 ۱۷ آوریل ۱۹۵۷ - گشایش نخستین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در باندونک (اندونزی) - در این کنفرانس شخصیت‌های ملی و مردمی بسیار همچون دکتر سوکارنو و جمال عبدالناصر شرکت داشتند.
 ۲۲ مارس ۱۹۵۸ - خروج عراق از پیمان امپریالیستی سنتو

مطبوعات خارجی

از صفحه ۸

است.

۱۶ - رابطه با دولت آلمان - آلمان هم دنبال ما می‌باشد نه بخاطر ما بلکه بخاطر خودش و برای دخالت داشتن در حل مسئله کردستان. مسئله کردستان در دستور کار اروپا و در رأس آن در دستور کار دولت آلمان است. دولت آلمان می‌خواهد با ما مذاکره کند و این مذاکره بزودی صورت خواهد گرفت. به احتمال قوی در سال ۱۹۹۲ این مذاکرات آغاز خواهد شد.
 ۱۷ - بازی بد - ژنرال‌ها می‌خواهند سربازان بسی گناه را در مقابل ما قرار دهند و این بازی زشت ژنرال‌ها می‌باشد. ما می‌خواهیم سربازان کنار رفته آدم‌های پشت پرده ظاهر شوند. مذهبی‌ها و فاشیست‌ها و ژنرال‌ها در مقابل ما قرار گیرند. و به آنهایی که سر چون سنگ دارند ثابت خواهیم کرد و در آخر در موقع خاک سیاری سربازان اگر بخواهید علیه ماتیلینات نمائید در محل خاکسپاری اقدام به عملیات مسلحانه خواهیم کرد.
 ۱۸ - تهدیدها: ما منتظر اقدامات حکومت جدید هستیم و در صورتی که اقدام دمکراتیکی صورت نگیرد وضعیت ترکیه بدتر خواهد شد و بحرانی شدید در سال ۹۲ در انتظار ترکیه خواهد بود. خون ریزی زیادی خواهد شد و مدارس جدید جنگ مسلحانه خود را شدیدتر از سال قبل ادامه خواهیم داد. به شهر سلاح خواهیم فرستاد و مردم قیام خواهند کرد. در صورتیکه شرق را بمباران نمایند ما هم در شهرها و بازار شهرها اقدام به بمب گذاری خواهیم کرد. تمام رفقای ما فدایی هستند. خون ریزی همه جا را خواهد گرفت و قیامتی برپا خواهد شد.
 ترجمه از نظام

۱۱۲ آوریل ۱۹۶۱ - برای نخستین بار یوری گاکارین در یک سفینه فضایی زمین را دور زد. (روز کیهان نوردی)
 ۱۱۵ آوریل ۱۹۶۱ - تجاوز آمریکا به کوبا در خلیج خوکها
 ۱۱ مارس ۱۹۶۸ - نبرد قهرمانانه مردم فلسطین در کرامه یکی از حماسی‌ترین نبردهای خلق فلسطین و نقطه عطفی در تاریخ جنبش مردم فلسطین
 ۱۴ آوریل ۱۹۶۸ - ترور جنایتکارانه مارتین لوتر کینگ از رهبران جنبش سبایه‌یونستان آمریکا
 ۱۱۷ آوریل ۱۹۷۵ - پیروزی جنبش مردم کامبوج علیه رژیم دست نشانده لول نول
 ۲۷ مارس ۱۹۷۶ - پیروزی جنبش رهاشبخش مردم آنگولا به رهبری "مپلا"
 ۲۰ مارس ۱۹۷۶ - روز زمین برای مردم فلسطین، به مناسبت اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط اسرائیل
 ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ - استقلال زیمبابوه
 ۶ آوریل ۱۹۸۲ - ترور ملیدامونترا (آنا ماریا) فرمانده دوم سازمان آزادیبخش خلق السالوادور در یک توطئه درونی
 ۲۷ مارس ۱۹۸۶ - درگذشت یوری گاکارین، اولین فضاورد جهان

در تکثیر و توزیع
 آثار سازمان
 بکوشید

انتخابات و...

است، ولی اگر دخالت کنند، ممکن است شرکت نکنیم و صحبت تحریم نبود. (کیمیان - ۲۲ آذر ۷۰) در واقع صحبت از "شرکت نکردن" موضع قاطع خط امامی هنا نیست، بلکه تهدیدی است که این جناح برای تحسنت فشار قراردادن رفسنجانی و غیر عادی جلوه دادن انتخابات بدان متوسل میشود. در مقابل ناطق نوری از جناح مخالف "خط امام" که ضمنا بار فسنجانی نیز در یک خط قرار ندارد طی یک سخنرانی در مسجد ارک تهران می گوید: "برخی قیمت میزنند، جو سبازی می کنند و می گویند شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی و تائید قوانین گرفتار هوای نفس شده، اگر این طور باشد که فاتحه باید خواند... وقتی برخی از قوانین و مصوبات مجلس را شورای نگهبان رد می کنند، یکدفعه مجلس می گوید چرا رد کردی، باید مناظره کنیم، این حرکت بوی سیاسی دارد." (روزنامه رسالت - ۲۰ آذر ۷۰) البته ناطق نوری کاملا بر حق است که اعضای شورای نگهبان دچار هوای نفس نمی شوند. زیرا اعضای شورای نگهبان آنقدر به خمینی نزدیک بوده اند که بدانند "حفظ رژیم" بر هر چیز مرجع است و در این مورد خصوصا تمسود دچار هوای نفس شد. منتها جناحی که به "خط امام" معروف شده اند، فقط به یک جنبه از موضع خمینی چسبیده و چون هیچ راهی جز اینهم ندارند، نمی توانند خمینی و ادرت تمامیت آن مورد توجه قرار دهند. در حالیکه شورای نگهبان، وبخمسوس رفسنجانی از این لحاظ به خمینی بیشتر وفادار هستند. اکثریت مجلس برای اینکه دست و پال شورای نگهبان را بندد مصوبه ای در رابطه با قانون انتخابات تصویب می کند که به موجب یکی از مواد آن "ابطال در هر حوزه انتخابات باید مستند به قانون و همراه با استنباط و مدارک معتبر باشد و تائید سه چهارم کل اعضای شورای نگهبان برسد." (را دیورژیم ۱۵ دی ۷۰) شورای نگهبان در مقابل این تعرض اکثریت مجلس واکنش کاملا تعرضی نشان داده و در مورد این مصوبه اظهار نظر می نماید و می گوید: "نظریه اینکه امر نظارت بر انتخابات و نتیجتا اظهار نظر در مورد آن طبق اصل ۹۹ قانون اساسی بعهده شورای نگهبان گذاشته شده است، و نظریه اینکه اظهار نظر شورما خصوصا با توجه به اصول ۹۴ و ۹۶ ظهور در اعتبار را از اکثریت مطلق اعضا یعنی نصف به اضافه یک دارد و نظریه اینکه جزدر مورد تفسیر قانون اساسی، تمامی بیش از نصاب اکثریت مطلق تعیین نشده، تبصره ۱۰ ماده اصلاحی که ابطال انتخابات را مقید به تحصیل رای سه چهارم کل اعضا نموده، مفایر قانون اساسی شناخته شد." (رسالت - ۵ بهمن ۷۰) قبل از این موضع شورای نگهبان، حتی وزیر کشور هم از مبهم بودن اصل ۹۹ حرف می زد و در مورد دا و مطلب هایی که صلاحیت آنها را هیات اجزایی انتخابات تأیید ولی شورای نگهبان رد می کنند، می گوید: "با توجه به ابهاماتی که در قانون وجود دارد، تصمیم گیری برای ما مشکل است و در این مورد سلاک، نظر مقام رهبری خواهد." (را دیورژیم ۱۱ دی ۷۰)

می گوید: "مطلب اول این است که شورای نگهبان مطمئن ترین دستگاه و ارگانی است که انقلاب به نظام کشور بخشیده است. مهم ترین، رساترین، فعالترین و موثرترین مجموعه ای که ما می توانیم به واسطه آن به کلیت سلامت نظام، مطمئن باشیم، شورای نگهبان است... شورای نگهبان در حرف و کار خودش، امین و موتمن است و همه موظفند به چشم امین به او نگاه کنند... امروز وضع شورای نگهبان این است. هم در قوانین و هم در تصرفات اجرایی و شبه اجرایی از قبیل انتخابات، شورای نگهبان بایستی مورد قبول و اعتماد مردم باشد و بحمدالله هست و هیچکس نباید به خود اجازه بدهد که از موقعیت و مقام شامخ معنوی کسه قانون برای شورای نگهبان منهدم کرده، هتکی انجام بدهد و نسبت به آن خنده های وارد کند." (را دیورژیم ۵ اسفند ۷۰) بدین ترتیب خامنه ای بطور کامل از شورای نگهبان حمایت کرده و اختیارات کامل را به این شورا که در واقع از طرف خود او منصوب می شوند، واگذار می کند. و "بحمدالله" هیچکس هم در این مورد "اعتراضی" نخواهد کرد و اگر اعتراضی هم صورت گیرد، دادگاه ویژه روحانیت برای اجرای احکام "الله" در مورد اینگونه افراد سرعت عمل خواهد کرد. خامنه ای در همین سخنرانی با توجه به اینکه تمام راه های اجرایی و تاثیر گذاری را برای "مزامنین" یعنی "خط امام" بسته است حرف آخر را هم می زند و می گوید: "اگر کسی فاسد است نباید وارد مجلس شود. حالا فساد اعم است از فساد مالی (یعنی آدمی که از لحاظ مالی فاسد است) و فسادهای گوناگون اخلاقی یا فساد عقیدتی و سیاسی که همه اینها فساد است. کسی که اهل فتنه است، فتنه گری میکند، نظام را تشویق می کند کارایی دستگاهها را از آنها می گیرد و به قول معروف با لبه تعبیر رسایی که بین مردم رایج است) خوب لای سرخ دستگاه می گذارد، نمی تواند در آن ترمیم یا نظارت حشور پیدا کند و نباید وارد مجلس شود. کسی که فساد رفتار و گفتار آنها حاکمی از این است که با خرد انگیزه های (اعم از انگیزه های سیاسی یا انگیزه های شخصی و خملتی) واقعا قصد مقابله با نظام را دارند. تبصره وارد مجلس شوند. این جهت را باید خیلی رعایت کرد. مسئله فساد مالی و اخلاقی که عرض کردم واقعا یک ساله جدی است. فتنه گری، مساله های جدی است. انسان گسانی را می بیند که وقتی دوشیزبونی قرار می گیرند، از آن برای فتنه گری استفاده می کنند. برای آن گفتند، مطلب خلاف واقع، دروغ، مردم را به ناحق تهمین کردن، حق باطل و باطل را حق جلوه دادن، همیشه ندارد. واقعا اگر چنین افرادی باشند نباید جلوی آنها را گرفت." (را دیورژیم ۵ اسفند ۷۰) خامنه ای سخنین را تهدید به بیرون سازی برای خلاف های "مائستی" و "اخلاقی" می کند. حربه ای که دیکتاتور ها همیشه برای عوامفریبی در مقابل مخالفین خود میکار می برند: "کسر فساد مالی مطرح باشد که تمام سران رژیم بدار دچارند. در مورد فساد اخلاقی نیز اساسا اخلاق آخوندی ناسد. تبه کار و فساد انسانی است. بنابراین خامنه ای در مقابل مخالفین نمی تواند از این دو حربه بطور "سه لاله" و به "حق" استفاده نماید. اما وقتی عدالت و حق حفظ "نظام" به هر قیمت باشد، طبعا حربه هایی که خامنه ای می خواهد بدان متوسل باشد، کاملا "طبیعی" و "واجب" شد. مگر اینکه خواهد بود، برای "خط امام" و طرفداران

آنها هم هیچ راهی نمانده بجز اینکه از موضع دفاعی به شکوه و شکایت بپردازند. مقاله روزنامه جمهوری اسلامی که از مواضع این جناح حمایت می کند، کاملاً بسن موضع لرزش می کند. (نگارنده این مقاله عزیز می آید)

سخنی با بزرگان روحانی جمهوری اسلامی

هر چه به زمان برگردد چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نزدیکتر می شود. فعالیت های انتخاباتی نیز افزایش می یابد. گمان می رود که در این زمینه فعالیت می کنند و دستگیر دست اول افرادی که برای شرکت در انتخابات مشغول شناسایی افراد واجد شرایط برای فرستادن آنها به جاستند. دسته دوم اعضای کتهای شورای اهد را بر کف گرفته و در مقابل رقاب خود به مبارزاتی پرداخته و برای یکدیگر خط و نشان می کشند. در این میان مبارزان و چوبه زنها و تبلیغاتی طرفداره داغ است. ظاهر آنست که اینها با فساد فرزند انجام وظیفه می کنند سخن ما این نیست که کدام یک از این دشمنان بدستان که سفارت است به معاف یکدیگر استناد باند. حیفند و کدام یک باطل و الوقت این است که این به گروه باطلی از حق و باطلند. هیچ کس را نمی توان بکفر باطل یا بکفره حقیق بستند. حیفند هستند افرادی که چشم بسته خود را در اختیار یک جناح سیاسی قرار داده اند ولی حساب آنها از استنهای والقمین که خیل عظیم مردم را تشکیل می دهند، جداست. مردم به آن درجه از باطل سیاسی رسانده اند که خود را درست در اختیار یک جناح سیاسی قرار ندهند. آنها به گروه باطلی از حق و باطلند. سوال گوناگون را می کنند و از میان همه اول حق را بر میگزینند و از آن پیروی می کنند. بنابراین استنهای دانا متفکین که این سخن را بدستان از مستفاد می کنند آنها را چاهلانی می مانند که در نهایت آب به آسیابی نشین میزنند. مردم به باور این جناح سرمدستان می گردند و نه با ستیز آن جناح گرمستان می گردند.

انتخابات اخیر خیرگان شاد باطل سیاسی مردم بودیم و بدینجه که نسبتاً تکرار شده بر سر ما پیروز شوند. گفتار انتخابات مجلس چهارم نیز همین رویداد مبارک تکرار خواهد شد و لیستها به صورتی بر سر ما پیروز نخواهد شد.

هر حربه خوانیم که تئورین فرقه ایام مستحقش را علیه روحانیت از نه چنان روحانیت یا مجمع روحانین بلکه علیه اساس این نهادها و انقلاب پیش کرد که تاکنون در سراسر جهان بی سابقه بوده است.

ایها خمینی یک حربه کلنی نیست با بزرگان روحانی ما، چه در جامعه و چه در مجمع. به آتش مباران ستر که بسوزند و جلوی شهیدهای آئین را بگیرند و نگارند این همه با قضای مردم به نام این عزیزان و بزرگان به اساسی انقلاب و روحانیت و نظام مسلم و از آنکه حضرت امیر (ع) درین حال که هر دو جناح را تأیید فرمودند، نسبت به وجود دشمنان و موشکافان بر هر دو جناح هشدار دادند. هیچ کس نمی تواند ستر و الوقت وجود و استقامت و شجاعتها بر هر دو جناح شود. کار این عناصر تراست و هوای مرکز تحسین قلوب نیست. آنها هنوز در سد ایجاب گرفتارند و بر آنند تا تمام مسود را از آبی کمبود کل لود می کنند، بگیرند. چرا بزرگان و عزیزان روحانی ما، چه در جامعه و چه در مجمع، اجازه می دهند چنین سوشکاف و مصلحت طلبی از اعتبار و حریتشان محمل ایجا مگر این امکان وجود ندارد که در نظام جمهوری اسلامی، انتخاباتی با رأیت فشرده و تلاشهای گسترده اما در من حال مسلم و آکنه از صفا و صمیمیت صورت گیرد! نظام جمهوری اسلامی که الهی حکومتی منوی و مردمی است این توانایی را دارد که انتخاباتی را در نهایت سلامت برگزار کند. این چیزی است که شما بزرگان روحانی به مردم آموختید و مردم باور دارند که شما می توانید چنین سلامت و استقامتی را نشین بزرگان ما را که به میان بیاید و لفظها و زبانهای گسانی که سنگ شما را به سینه میزنند، مهار کنید.

ای بزرگان روحانی، با دقت به واقعه ای که در حال رخ دادن است بنگرید و به این سؤال پاسخ دهید که آیا ماجرای به جان همدیگر افتادن این دو شاخه ای گمراه کدام سنگ یک جناح از شما را به سینه میزنند، در واقع ماجرای هر بدستانی نسبت که از دو سو در عرضی را از رسته می برد که شما شایع و برگ آن فرخنده! اگر چنین است پس چترهای بهانه بندی و کفایت فرحت ترویجی که با خون آن همه شهید آهاری شده است از با باقیانده و شما روزی بزرگ ما را خواهد که دیگر مبارز حدیست.

انتخابات، می تواند با روشنگریهای منتهی و دور از پر خاش و دشنام دادن به این و آن برگزار شود و مردم نیز با آگاهی کامل رای خود را به افراد مورد نظرشان بدهند. کاری است که انجام آن فقط با نظارت دقیق بزرگان روحانی، چه از جامعه و چه از مجمع، بسر گفتارها و کسر کلامی طرفدارانشان میرسد و چنین نظارتی اکنون از واجبات است.

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱/۱۱

کفتم که این انتخابات ضمن اینکه در ساختار اصلی رژیم هیچ تغییری حاصل نمی کند، ولی برای رژیم و بخصوص شخص رفسنجانی اهمیت بسیار دارد. رفسنجانی از کانسال وزارت کشور که وابسته بخودش می باشد، و از کانسال تشاهمین شورای نگهبان و خط امام نیز استفاده خواهد کرد و خواهد گوید مجلس چهارم ارتجاع را بر اساس آنچه خودش می خواهد سازمان دهد. مجلس چهارم برای اینکه هست و رفسنجانی را برای پیشبرد سیاست، هایش با تشریک گزار و تئوریزاران جهت که بسیاری از محافل و مجامع بین المللی بدان چشم دوخته اند، که بیفتند و رفسنجانی در حذف جناح مقابل چقدر موفق می شود. برای رفسنجانی اهمیت دارد در این تردیدی نیست که در صفحه ۱۰

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۳

نحوه‌ی خودرو، شرکت زامبیدا اعلام می‌دارد قیمت وسایل فوق زیاد شده و هر متقاضی باید ۴ میلیون ریال دیگر به حساب فوق واریز کند، که در اصل این موضوع خبر از قطع و حصر رژیم ملیان برای چپاول انسداد اندوخته مردم مستضعف کشورمان می‌دهد، این عمل رژیم، متقاضیان را به شدت بخشم آورده و اعلام می‌کنند در صورتیکه تا یکماه دیگر خودروها با همان قیمت قبلی واگذار نشود اقدام به بستن جاده و تحصن در مقابل کارخانه خواهند نمود.

اعتماد فرموسه کیهان

کارمندان و کارکنان روزنامه کیهان رژیم که بالغ بر ۵ هزار نفر می‌شوند در روز شنبه ۱۰ اسفند در اعتراض به میزان ناچیز حقوق خود دست به اعتصاب زدند و در ساختمان مرکزی موسسه کیهان گرد آمدند و از مسئولان روزنامه خواهان با لایتنر دستمزدها اضافه کار و پاداش عید شدند به گزارش خبرگزاری فرانسه بعد از اینکه به کارگران و کارمندان کیهان وعده دادند که در عرض آرزو به خواسته‌های آنها پاسخ بدهند، آنها به سرکار خود بازگشتند. پرداخت پاداش از سال یکی از کارهای دائمی رژیم است که با ترفندهای مختلف در تمامی بخش‌های کاری کشور، از انجام آن سرباز می‌زند.

اعزام پاسدار به سودان

رژیم خمینی در ماه‌های اخیر تعداد ۱۸ هزار تن از مزدوران خود را به سودان اعزام کرده است. رادیو فرانسه ۱۱ اسفند این خبر را از قول نیروهای مخالف دولت سودان که در مصر در تبعید بسر می‌برند اعلام کرد و گفت این نیروها برای تقویت دولت سودان به آن کشور اعزام شده‌اند، تا در حمله گسترده‌ای که قرار است بر علیه ارتش جنوب سودان صورت گیرد مورد استفاده قرار گیرند. "مجمع ملی دمکراتیک" که از مجموع نیروهای مخالف دولت سودان تشکیل شده در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که: ۸ هزار تن از پاسداران اعزامی به "جوبا" مرکز آکاتوریا و منطقه حائل بین "کوستی" و "مالاکال" اعزام شده‌اند و این اقدام بلافاصله بعد از دیدن پاسدار رفسنجانی در ماه دسامبر گذشته از خارطوم بعمل آمده است، این اطلاعیه می‌افزاید: ده هزار پاسدار دیگر نیز ایرانی در جریان دوهفته اخیر به افانه هواپیماها، تانکها و قطعات توپخانه وارد سودان شده‌اند، این اطلاعیه ضمن هشدار در رابطه با وارد شدن طرفهای خارجی و بیوزیه ایرانی در امور داخلی سودان، خاطر نشان می‌نماید که اتیوپی واریتره آماده‌اند تا در تهاجمی که رژیم اسلامی خارطوم قصد دارد بر علیه ارتش آزادیبخش خلق اریتره انجام دهد، با نفیتر و تجهیزات شرکت کنند. به گزارش رادیو اسرائیل روزنامه روضه الیوسف چاپ قاهره در این مورد می‌نویسد: "۸ هزار نفر از پاسداران ایرانی هم اینک در جنوب سودان مستقرند و زیر چتر مرعین کارگران ساختمانی به همکاری با حکومت ژنرال حسن البشیر پرداخته‌اند."

به نوشته این روزنامه "پاسداران به ارتش البشیر

در سرکوبی مخالفان حکومت وی در جنوب سودان یاری می‌رسانند و در نبردی که اخیراً در گرفته دست کم ۲ پاسدار ایرانی کشته شده‌اند."

اخبار مقاومت

اخبار زیر از اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران گرفته شده است.

موج استعفا در سپاه پاسداران

بر اساس اطلاعیه ۶ اسفند فتر مجاهدین خلق ایران - پاریس: بنا بر گزارشات موثق دریافتی از درون رژیم خمینی، طی ماه‌های اخیر موج استعفا و ریزش نیروهای سپاه پاسداران رژیم خمینی به شدت ادامه داشته است. رژیم خمینی برای جلوگیری از گسترش روزافزون استعفا پاسداران شماری از ماموران وزارت اطلاعات را برای کنترل هر چه بیشتر پاسداران ناراضی وارد سپاه کرده است.

در بسیاری موارد پاسداران با سلاح و مهمات از یادگانهای خود فرار کرده‌اند. متقابلاً مجلس رژیم، قانونی را به تصویب رسانده که به موجب آن هیچ پاسداری حق استعفا ندارد و آنها باید که استعفا می‌دهند تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. در همین رابطه، دادستانی نیروهای مسلح رژیم مستقر در پادگان ولی-عصرتهران، روزانه حکم جلب دهانفر از پاسداران مستمر را صادر می‌کند و در زندان‌ها منجمله زندان اوین بندویژه پاسدارها دایر شده است.

تهاجم پاسداران به مردم در کرمانشاه

روز چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۷۰ در تهاجم گسترده مهاجمان از پاسداران و نیروهای امنیتی رژیم خمینی به شهرک "آهن" از رفر جعفر آباد کرمانشاه، تعدادی از مردم کشته و ده‌ها تن مجروح و گروه زیادی دستگیر شدند.

در مقابل یورش پاسداران که در ساعت ۵ صبح چهارشنبه صورت گرفت، مردم با سلاح‌های سرد و گلوله از خانه‌های خود دفاع نمودند، در این درگیری حاضمن کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از مردم، ۸۹ نفر توسط پاسدارها دستگیر شدند.

بر اساس این گزارشات، در یک درگیری دیگر در روز ۱۰ اسفند در منطقه کهریزک کرمانشاه ۳ تن از مامورین ساواک وزارت اطلاعات رژیم که قصد دستگیری هواداران مجاهدین را داشتند در اثر مقابله مردم مجروح شدند و متقابلاً ۲۰ تن از مردم دستگیر شدند.

تظاهرات ضد رژیم در تهران

بر اساس گزارشات رسیده از ایران، روز سه‌شنبه ۲۰ اسفند، هزاران تن از اهالی شرق تهران در اعتراض به گرانی و فشارهای شدید اقتصادی و تدابیر سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم خمینی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در ساعت ۲ بعد از ظهر بوقت تهران در خیابان پیروزی (شرق تهران) آغاز شد، که با مخالفت پاسداران به درگیری کشید. مردم در این تظاهرات اقدام به آتش زدن لاستیک و ایجاد راه‌بندان نمودند. تعداد زیادی از مردم دستگیر شدند.

اخبار خارجی

تروریک روزنامه نگار

حنیف کونجن روزنامه نگار کرد در شهر دیار بکر

ترکیه بدست عوامل مسلح ناشناسی به ضرب گلوله از پای درآمد. وی قبلاً بدلیل فعالیت‌های سیاسی خود چندبار توسط مقامات امنیتی ترکیه دستگیر و زندانی شده بود. هفته‌نامه چپ‌گرای بسوی سال دوهزار که وی سردبیری آن را برعهده داشت، برای کسب حقوق کردها فعالیت می‌کند و با رژیم ملایان حاکم بر ایران و اعمال ارتجاعی مزدوران آن در جهان مخالف است.

غیرقانونی شدن جبهه نجات اسلامی الجزایر

جبهه نجات اسلامی الجزایر از کلیه فعالیت‌های خود در این کشور ممنوع گردید. دولت الجزایر روز ۱۴ اسفند رسماً این جبهه را غیرقانونی اعلام کرد. محمد بوضیاف رئیس شورای عالی حکومتی الجزایر در این رابطه اظهار داشت که احزاب در این کشور نباید بر اساس مذهب پایه‌گذاری شوند. وی از این امر جلوگیری خواهد کرد. در این حال احمد بن بلا رئیس جمهور سابق الجزایر ضمن مخالفت با این اقدام دولت گفت: این امر موجب تشدید اختلاف در جامعه خواهد شد.

توقف انتشار نشریه پراودا

به گزارش خبرگزاری‌های جهان روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق برای مدت نامحدودی از انتشار بازماند. آخرین شماره این روزنامه در روز ۱۴ اسفند برابر با ۱۴ مارس ۹۲ با تیتر از بسیار محدود و فقط برای توزیع در منطقه مسکوانتشار یافت. این روزنامه سابقاً در میان روزنامه‌های جهان بیشترین تیراژ را داشت.

اندر احوالات مقاومت سستیزان

از صفحه ۱۳

رابصورت اتودینامیک طی کرده است سوال شود که اینبار در جهت منافع چه کسی به زبان رژیم سخن می‌گوید؟

تلاشهای تبلیغاتی رژیم بر علیه مقاومت مسلح خلق و ارتش آزادیبخش ملی ایران از زوایای مختلف صورت می‌گیرد. موثرترین حربه رژیم، سو استفاده از احساسات و عواطف پاک خانواده‌های رزمندگان ارتش آزادی است که بدلیل دوری از فرزندان شان و قطع ارتباطات، بیشتر تحت تاثیر این تبلیغات قرار می‌گیرند. دشمن ضد خلقی سعی می‌کند کلیه پیوندهای عاطفی و مبارزاتی بین رزمندگان و خانواده‌هایشان و همچنین مردم ایران را با سرکوب و بستن مرزها و تبلیغات زهر آگین قطع کند. برای مقابله با توطئه‌های رنگارنگ دشمن که با کمک گرفتن از کلیه امکاناتش صورت می‌گیرد، مقاومت انقلابی باید با کامیاب‌های سنجیده بدون اینکه لحظه‌ای از پایمردی و صلابت رژیم خود بکاهد، به افشای تمام و کمال و بی‌رحمانه توطئه‌های دشمن و عوامل داناوندانش بپردازد. روتها و سلاحهای کهنه و زنگ‌زده‌ای که دشمن با عجله روغن مالی کرده و در دستهای عوامل برون مرزیش برای مقابله با پیشروی مقاومت بالنده قرار داده است، کارکرد خود را با سرعت از دست می‌دهند و مسلماً آنها که بادمی کارند طوفان درومی‌کنند."

اندراحوالات مقاومت سستیزان

از صفحه ۶

که رهبری مجاهدین میل دارد چشم بر حقایق تلخی که در این سازمان می‌گذرد بسته شود و شیوه‌های ضد دمکراتیک مجاهدین علیه مخالفین نادیده گرفته شود. سپس در اوج احتفاراتشکلیاتی - سیاسی همچون پدر خوانده مطرودش حزب توده بادی به غیب انداخته و خواهان اعزام هیئتی جهت بازدید از منطقه و احتمالاً رسیدگی!، و دادن قطعنامه ۰۰ می‌شود. نگاه کنید:

«... مجاهدین خلق از طریق این اطلاعیه‌ها و واکنشهای رسمی تر خود خواسته اند وجود زندانها و زندانیان خود یعنی واقعیتهایی که دیگر عیان شده است را تکذیب کنند. مجاهدین چه پیشتر از این وجه در اطلاعیه‌های اخیرشان اشاره‌ها را از مخالفین خود خواسته‌اند که خود بیائید و ببینید! این دعوت البته به چنان نحوی بیان شده که در دعوت شوندگان هیچگونه احساس اطمینان و امنیت ایجاد نمی‌کند، با اینهمه ما اعلام می‌کنیم که اگر این دعوت به اعدام انقلابی مخالفین در بیابانهای گرم و سوزان عراق و پایگاههای ارتش آزادیبخش منجر نشود از آن استقبال می‌کنیم و حاضریم در هیئت مشترکی از اپوزیسیون دمکرات ایران بدین منظور شرکت کنیم زیرا مانسبت به سرنوشت اپوزیسیون و از جمله مجاهدین خلق احساس مسئولیت می‌کنیم و نمی‌توانیم نسبت به آنها بی تفاوت بمانیم.»

باید به گردانندگان خیره‌سرو فرورومایه این جریان گفت آن زمان که توسط اب قدرت سابق به بازی گرفته شدید و تا کردن در خیانت به خلق فرورفتید خود می‌دانستید چه می‌کنید و الا که از هردری رانده و از هر جای مانده شده‌اید باز هم خوب می‌دانید چه هستید و چه می‌کنید. بنابراین بیان جمله

«اگر این دعوت به اعدام انقلابی مخالفین در بیابانهای گرم و سوزان عراق و پایگاههای ارتش آزادیبخش منجر نشود از آن استقبال می‌کنیم...»

در اعلامیه‌تان حاکی از ترس شما از نیروهای مقاومت نیست، از خیانتکاری خودتان است. شما بخوبی می‌دانید که مقاومت ایران به پرنسیب‌های حقوق بشری و بنه‌خصوص به آزادی فردی، بی‌نیاهیت به‌همی‌دهد و بخوبی نیز می‌دانید که همین بریده‌هایی که شما به استناد گفته‌های آنها حکم داده‌اید، در امنیت و آسایش کامل و توسط همین مقاومت با صرف هزینه و رنج و شکنج فقط بخاطر همان پرنسیب‌های حقوق بشری به دامن همچون شما هار سیده‌اند. بی‌بهرت است شما هم برای بسازی گرفته شدن بهتر از طرف رژیم، جامه رنگین از تن بیرون بیاورید و بکرات به داخل خود رژیم بروید. یادتان باشد که تاهمین اواخر برای «دیالوگ» بهر درمی‌زدید و حتی ارتباطات تلفنی بابخش روابط خارجی سپاه پاسداران مستقر در زندان اوین بمنظور راه‌یابی!! پناهندگان ایرانی اسیر شده توسط پلیس ترکیه! نیز که برقرار بوده است خوب الا که رژیم از هر وقت دیگر بیشتر به دیالوگ با شما نیاز مند است. البته سعی کنید بیشتر از لقمه‌ای که رژیم بعنوان پاداش جلوی‌تان می‌اندازد، نخواهید، چون بار دیگر توسط رژیم به بیرون تف می‌شوید.

اما از همه اینها عقب مانده‌تر جریان موسوم به «راه کارگر» است که طبق معمول نه تنها دیر به معرکه هل داده شده بلکه از فضای بد بدلیل کمی اطلاع از

وضعیت، موضع خود را بر اساس «اخبار جسته و گریخته» و «گزارشات انتشار یافته» و «گرفته و میزبان شرافت و صداقت سیاسی خود را در نازل‌ترین سطح به نمایش می‌گذارد: این جریان در مطلب کوتاهی که در صفحه آخر آرخین شماره خود قلمی کرده می‌گوید: «هم‌اکنون بر اساس گزارشات انتشار یافته، حداقل مد نفر از افراد ناراضی در زندانها و بازداشتگاههای این سازمان و در شرایط بسیار بدی بسر می‌برند...» و یا «اخبار و گزارشات تکان دهنده‌ای از اعمال و رفتار حاکمان بسر سازمان نسبت به هواداران و اعضا معترض را افشاء کرده‌اند...» این نشریه در ادامه مطلب خود لیست با لابلندی از اتهامات و قبحانه و شرم آور را بر علیه مجاهدین و البته باز هم بر اساس «افشاگرها» «مربوطه ردیف می‌کند که آدم با خواندن آنها یاد شکنجه‌های قرون وسطایی در زندانهای شاه و خمینی میافتد، که این جریان بارها و بارها در یادنامه‌ها و خاطره نویسی‌های خود، از آنها یاد می‌کند... این گروه که راه فریب کارگران را در سینه چاک تربودن مژمن خود در ضحیت با مقاومت خلق جستجو می‌کند، یک قدم فراتر نهاده و مجاهدین را متهم به کشتار مخالفان سیاسی خود نموده و می‌نویسد: «بر اساس این افشاگری‌ها استفاده از زندانهای متعدد، بکارگیری شکنجه‌های روحی و جسمی، تهدید به اعدام و حتی اینابه خبرهای جسته و گریخته‌ای، اعدام مخالفان سیاسی، شیوه سیاست حاکم بر رهبری این سازمان جهت خاموش و مرعوب نمودن معترضین را تشکیل می‌دهد. استفاده از سلولهای انفرادی، مشت و لگد و سیلی، کتک زدن پدر و مادر نژاد بچه‌ها و یازن و شوهر در برابر یکدیگر، گرسنگی دادن، محروم ساختن بیماران از داروهای مورد نیاز، توهین و اتهامات اخلاقی و ناموسی جهت متلاشی کردن شخصیت مخالفین و معترضین، شتم و شوی مغزی، ضبط پاسپورت و یابری از وسایل شخصی نظیر کتاب و غیره، فشار برای گرفتن توبه نامه‌های شرم آور و اقرارنامه گناهان و نوشته‌های کتبی یا فیلم ویدئویی منی بسر اینکه اگر کسی در این شرایط از سازمان جدا شود مستحق و شایسته اعدام است و اعتراف به اینکه علت در بریدگی امفانکنندگان بوده و هیچگونه انتقادی به سازمان وارد نیست و در بیرون هم حق افشاء اتهامات سازمان را ندارد و... بر اساس همین گزارشات منتشر شده کسانی چون محسن رضایی، عطایی، ابریشمچی، کاشانی و دیگر دست اندرکاران این سازمان شخصاً در این تهدیدها و شکنجه‌ها، شرکت مستقیم داشته و محسن رضایی مسئول زندانهای مجاهدین است.»

من شخصاً بدلیل عادت داشتن به خواندن مطالب چپ اندر قیچی در بعضی از نشریات این نوع جریانات، از جمله بندی مطلب «راه کارگر» تعجب نکردم. ولی مادقانه بگویم از میزان عقب رفت و سقوط فکری نویسنده مربوطه شاخ در آوردم. چطور ممکن است یک جریان که بخود مارک «کارگری» می‌زند تا این اندازه درک نکند که کسانی که مطلب او را می‌خوانند اولین سوالی که از او می‌کنند اینست که بر اساس چه مدرک مستند و عینی این موضع را گرفته‌ای؟ «اخبار جسته و گریخته» را چه کسی به تو رسانده است. حتماً برای این جریان فرق نمی‌کند که این «اخبار» از کدام طرف و از سوی چه مرجعی «جسته و گریخته» شده‌اند. می‌توانید «راه کارگر» همیشه در ضحیت و مخالفت با مقاومت

با ایمان به فرارسیدن بهار آزادی

از صفحه ۱

و غیره، همواره باعث نزدیکی مردم به هم بوده و در این روزهاست که بیشترین هراس در جان دشمنان خلق میافتد. بدنبال روی کار آمدن رژیم خمینی در کشورمان و وضع قوانین ضد انسانی و ارتجاعی، در منع آزادیهای فردی و اجتماعی، مرتجعین حاکم یورش عظیمی را بر علیه آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی آغاز کردند. منع برگزاری مجالس شادمانی و جایگزینی آن با مجالس عزادارانه خوانی و سینه زنی، فشار و سرکوب گری کلمه‌های پاسداران و کمیته‌ها و گشت‌های معروف زنان و مردان را بدنبال داشت. رژیم جنایتکار حاکم در سر هر کوجه و برزن کمیته‌ای برپا داشت و تعدادی از مزدوران متحجر الفکر خود را مامور مراقبت از چهارراه‌ها و میادین و مواظبت از مردم در جهت کنترل رفتار آنها نمود. خنده بر لب هر کس دیدند او را بازداشت و اذیت نمودند. دختران را بجرم پوشیدن لباس نازک و تن نما به کمیته‌ها بردند و چه فجایعی که نیافریدند. پسران را بجرم پوشیدن شلوار تنگ و یا با لادن آستین به زیر بازجویی کشیدند و به شلاق و زندان محکوم کردند. به مجالس برگزاری عروسی هجوم برده و جشن را به عزای تبدیل کردند تا شاید مردم را که سختی باقوانین ظالمانه آنها مخالفت می‌کردند به تسلیم وادارند. سران مرتجع حکومت با عریضه و فریادهای گوشخراش‌تر بلندگوهای خود، نوروز عید بزرگ ایرانیان را طاقوتی و چهارشنبه سوری را سنت «آتش پرستان» خواندند و مردم را از برگزاری آن منع کردند. علیرغم کلیه این فشارها و سرکوب‌های حکومتی، مردم کشورمان سال بسال مسمم تر و قاطع‌تر به پیشواز بهار و برگزاری مراسم عید رفتند و در روزهای سیزده بدر بمسورت میلیونی به صحرا رفته و در میان چمن‌ها به رقش و پایکوبی پرداختند و با گر زدن سیزدها قدم خود را به مقاومت در مقابل رژیم اعلام داشتند. رژیم جبار و مذهبی خمینی پیام مردم را گرفت و مایوس و درمانده و از روی اجبار در مقابل مردم سر تسلیم فرود آورد.

امسال نیز به روال همیشگی مردم کشورمان خود را برای استقبال از بهار آماده می‌کنند و اگر چه از زمان روی کار آمدن این رژیم در خیم مردم ما در قرون و فاقسه عظیمی بسر می‌برند، ولی سعی می‌کنند لباسهای خود را تمیز و براق کرده، بر تن کنند و به بچه‌های غدی بدهند و بر چشم و روی هم بوسه زنند و با هر بوسه کلوله‌ای گرم بر قلب مرتجعین حاکم نشانند.

سال جدید را به همه هم میهنان خود تبریک و عید نوروز را مبارک باد، می‌گوئیم. امیدواریم که امسال سال نابودی دشمنان خلق و سرنگونی بقایای رژیم پوسیده خمینی باشد.

سلححانه خلق سینه چاک ترا ز همه بود. از جمله اینکه یکبار که به زبان «رضا پهلوی» و درت از این زاویه به مقاومت حمله کرده بود، وقتی مورد اعتراض قرار گرفت با حرارت خاصی اعلام کرد که آری مادر چیست منافع کارگران و زحمتکشان، بخوانید در چیست نباختن قافیه (ب زبان هر کس و حتی «رضا پهلوی» نیز صحبت خواهیم کرد. جادار از این جریان که مراحل در هم شکستگی ایدئولوژیکی - سیاسی - تشکیلاتی، خود

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

اخبار و رویدادها....

تظاهرات دانشجویان در تهران

دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیر در تهران در اعتراض به سیاستهای رژیم در این دانشگاه به تظاهرات پرداخته و با پاسداران مسلح که بمنظور سرکوب اعتراضات دانشجویان به محل اعزام شده بودند به زدوخورد پرداختند. منابه نوشته بعضی از روزنامههای رژیم، حدود ۳ هزار تن از دانشجویان این دانشگاه از یک ماه قبل در اعتراض برمی برده و یکبار ضمن بستن خیابانهای ورودی این دانشگاه از حضور دانشجویان و استادان به محوطه دانشگاه جلوگیری می کردند، که در این حرکت ۱۵۰ نفر از دانشجویان مرد توسط پاسداران دستگیر شدند. بدنبال این دستگیری ها در روز یکشنبه ۱۱ اسفندماه جاری هزاران نفر از دانشجویان با حمایت گسترده مردمی در فاصله خیابان میرداماد تا میدان ونک به تظاهرات پرداخته و بر علیه رژیم شعاری دادند. این تظاهرات بمدت سه روز یعنی از روز یکشنبه ۱۱ اسفند تا روزه شنبه ۱۳ اسفندماه به تناوب ادامه داشت و در این مدت مزدوران رژیم ضمن محاصره منطقه و اشغال دانشگاه خواجه نصیر با استفاده از گاز اشک آور، به دستگیری و ضرب و شتم دانشجویان مشغول بودند که منجر به دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان گردید. روزنامه سلام چاپ تهران نیز به دامنندار بودن تظاهرات به دست از دستگیری تعدادی از دانشجویان اقرار کرده است.

پناهندگان ایرانی در ترکیه

شورای پناهندگان ایرانی-ترکیه در تاریخ ۱۷ فوریه ۹۲، نامه ای سرکشاده به آقای ملک کالین رئیس کمیسیون عالی پناهندگی سازمان ملل در ترکیه ارسال داشته و در آن در رابطه با وضعیت نابسامان پناهندگان ایرانی در این کشور مطالبی را عنوان کرده است. در این نامه آمده است: " روزی نبوده است که مشکلی و مانعی در مقابل پناهندگان ایرانی در ترکیه قد علم نکند، یک وقت قضیه دیورت به ایران زندگی را از هر لحاظ بر همه تلخ می کند و روز دیگر تصمیم یو نان در مورد دیورت به عراق ۱۰۰۰ نیروهای تروریستی رژیم جمهوری اسلامی و سعاد عراق تحت عنوان احزاب سیاسی اسلامی (حرکت اسلامی، حزب الدعوه) و بطور رسمی قرار - گاههای نظامی رمضان که کمپ های نظامی آن می باشد در کردستان عراق مستقر هستند، که تا بحال موارد همای زیادی خراب کاری، انفجار، مین گذاری و اعمال تروریستی از طریق آنان انجام گرفته است. ۱۰۰۰ این وضعیت بطور خود بخودی، عدم امنیت و بی ثباتی وسیعی را در عراق و کردستان عراق فراهم نموده است که محیطی نا امن برای ایوژیسیون های ایرانی و از جمله این پناهندگان که شرح آن رفت می باشد."

شورای پناهندگان ایرانی - ترکیه در نامه ای دیگر به آقای سلیمان دمیرل نخست وزیر ترکیه در همین تاریخ، ضمن دادن اطلاعاتی درباره وضعیت پناهندگان ایرانی در این کشور خواستار دخالت وی در رفع موانع

در صفحه ۴

برخی از رویدادهای تاریخی

فروردین ماه

۱۶/۱/۱۲۹۹ - قیام مردمی شیخ محمد خیابانی - در تبریز
 ۱۲/۱/۱۳۰۰ - قیام افسران در خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان
 ۱۶/۱/۱۳۲۰ - درگذشت پروین اعتصامی
 ۱۰/۱/۱۳۲۶ - شهادت پیشوا قاضی محمد و یارانش صدر قاضی و سیف قاضی در شهر مهاباد (روز شهیدان کردستان)
 ۱۹/۱/۱۳۳۰ - درگذشت صادق هدایت
 ۲۴/۱/۱۳۳۰ - اعتصاب ۱۲ روزه ۴۰۰۰۰ نفر از کارگران نفت در آبادان
 ۲۳/۱/۱۳۳۷ - اعتصاب ۱۲۰۰۰ تاکسیران در تهران
 ۱/۱/۱۳۴۲ - حمله مزدوران رژیم شاه به مدرسه فیضیه در قم
 ۲۱/۱/۱۳۴۴ - شهادت سرباز مبارز رضا شمس آبادی در جریان تیراندازی به محمد رضا شاه
 ۱۷/۱/۱۳۵۰ - حمله قهرمانانه رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران به کلانتری قلک در تهران
 ۱۸/۱/۱۳۵۰ - به هلاکت رسیدن سپید فریو - دادستان ارتش رژیم شاه توسط رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران
 ۳۰/۱/۱۳۵۱ - تیرباران و به شهادت رساندن چهار نفر از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران، علی باکری، محمد بازرگانی، ناصر صادق و میهن دوست توسط رژیم شاه

۳۰/۱/۱۳۵۴ - شهادت رفقای فدایی بیژن جزنی - حسن ضیا، ظریفی - عباس سورکی - سعید (مشعوف) کلانتری، محمد چوپانزاده، عزیز سمردی، احمد جلیل افشار و مجاهدین خلق، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل در تپه های اوین توسط مزدوران ساواک شاه
 ۲۲/۱/۱۳۵۷ - پایان موفقیت آمیز اعتصاب غذای ۲۹ روزه زندانیان سیاسی در زندان قصر
 در صفحه ۱۰

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

AMERICA
 HOVE, YAT
 P.O BOX 2891
 RESTON, VA 22090
 U.S.A

DENMARK
 HOVIAT
 POST RESTANTE
 MIMERS GADE 118
 N 2200 - DANMARK ---

GERMANY
 P.L.K
 Nr. 039999 D
 5000 KOLN 1
 W.GERMANY

آلمان غربی



برای فتح قله های
 پر صلابت عشق؛
 عشق به آزادی؛
 عشق به مردم؛
 عشق به برابری؛
 یامرگ یاپیروزی

شهادت فدایی
 فروردین ماه

رفقا: جواد سلاخی - حبیب مومنی - خشایار سجری - منصور فرشیدی - محمد معصوم خانی - بیژن جزنی - حسن ضیا - ظریفی - عباس سورکی - مشعوف (سعید) - کلانتری - محمد چوپانزاده - عزیز سمردی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمد رضا کامیابی - غزال (پریدخت) آیتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرابیون - یدالله لسبیلی - جلیل اراضی - بهرام آق اتابای - عطاخانجانی - آراز محمد وردی پور - غفور حمادی - عبدالله صدقی زاده - بردی محمد کوسه غراوی - قربانعلی پور نوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه فیروز شکری - آنه بردی سرافراز - قربان (آرقا) شفیعی - فیروز صدیقی - نورمحمد شفیعی - محمد رسول عزیزیان - رفیق پروین افروزه - محمد حرمتی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور (دکتر بهرام) و ...
 این رفقا از سال ۹۱ تاکنون در پی کار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD
 B.P 20
 91350 GRIGNY CEDEX
 FRANCE

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
 کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
 نام بانک
 BOULOGNE - S - SEINE
 آدرس بانک
 03760 کد گیشه
 00050097851 شماره حساب
 MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب